

روحانیت مبارز رهبری امام خمینی را تضعیف نکنید

جسارت بی سابقه در بیان خواست برکناری روحانیت مبارز از سکان داری انقلاب، توهین بیروا به این روحانیت و ارگانهای که مستقیماً توسط این روحانیت و با شرکت توده‌های مردم تشکیل گردیده‌اند، و نیز به ارگانهای انقلابی که نقش مهمی هم در پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی و خلی و هم در مدافعه از روحانیت مبارز ایفا می‌کنند. **بقیه در صفحه ۷**

به روحانیت مبارز رهبری امام خمینی، که از مرکز واحدی چون «سیاه سازمان داده‌میشد» آغاز گردید و بموازات گسترش و تعمیق انقلاب، به‌مراحل حادثی، گام نهاد. **ویژگی یورش اخیر دشمنان انقلاب ایران به روحانیت مبارز بطور اعم و روحانیون برجسته و انقلابی، که موقعیتهای حساسی در جمهوری اسلامی ایران دارند، بطور اخص، عبارتست از: صراحت و**

امپریالیستها، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و تمامی وابستگان خارجی و داخلی آنها، به‌مراه شیفتگان ایرانی «جهان‌آزاد»، آتش‌حملات خویش را بر روحانیت مبارز به‌رهبری امام خمینی، که ستون فقرات نیروهای رهبری‌کننده انقلاب ایران است، شدت داده‌اند. این هجوم کین‌توزانه و همه‌جانبه، که توسط کلیه بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی چون صدای آمریکا، بی‌بی‌سی، رادیو اسرائیل و ارگانهای تبلیغاتی وابستگان به آنها چون رادیو بغداد و نیز بلندگوهای خاقین فراری و توطئه‌گری چون اویسی و پختیار و از طرف کلیه وابستگان به امپریالیسم و بیروان «خط آمریکا» در ایران دنبال میشود، در دوران اخیر به اوج خود رسیده است.

حمله به روحانیت مبارز به‌رهبری امام خمینی و تلاش برای تضعیف و بی‌اعتبار کردن آن بی‌چون و چاهه واقعه تازه‌ای نیست. از همان روزهای تدارک و انجام انقلاب ایران و بموازات گسترش مبارزات انقلابی مردم تحت رهبری روحانیون مبارز و انقلابی و در راس آنها امام خمینی و همراه با گسترش «خطر» نسبت به منافع غارتگرانه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در ایران، حمله



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۸۲
 یکشنبه ۹ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
 ۲۱ محرم ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی:

کشورهای عضو جبهه پایداری آماده هر گونه همکاری استراتژیک و تاکتیکی با ما هستند

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی که به تازگی از سفر کشورهای سوریه، الجزایر، لیبی و لبنان، بازگشته است، در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی که با شرکت دهها خبرنگار داخلی و خارجی برگزار میشد، گفت: «این دولت با ما گفتند هر گونه حمایتی باید برای دولت این انقلاب بشود و آنها آماده هر گونه همکاری استراتژیک و تاکتیکی با ما هستند. ما درباره همکاری در همه زمینه‌ها با هم صحبت کردیم، هم در زمینه نظامی، هم در زمینه فرهنگی، هم درباره همکاریهای اقتصادی و درباره **بقیه در صفحه ۸**

عملیات مدافعان انقلاب علیه دشمن تجاوزگر

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره ۳۲۱ اعلام کرد که رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در عملیات پنجشنبه و جمعه خود این اقدامات را علیه مزدوران تجاوزگر انجام داده‌اند:

۱- پرسنل هواپیمائی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) در تاریخ ۵۹۹۷۷، در جبهه‌های اهواز و دزفول، تلفات و ضایعاتی به این شرح به دشمن وارد ساختند:

انهدام یک دستگاه تانک و ۵ قیسه توپ خودکششی، انهدام ۶ سنگر و یک چادر بزرگ گروهی یا فترات مربوطه آنها، انهدام ۴ دستگاه کامیون بزرگ حامل وسائل لجستیکی دشمن و دو دستگاه خودروی استار شده و به‌هلاکت رساندن ۴۸ نفر از افراد مزدور صدام.

۲- در تاریخ ۵۹۹۷۷، بر اثر اجرای آتش توپخانه‌روی مواضع دشمن، در منطقه هارو، ۹ نفر از افراد رژیم صدام به هلاکت رسیدند. همچنین یک دستگاه تانکر سوخت، ۳ دستگاه کامیون و دو دستگاه خمپاره‌انداز دشمن در منطقه آبادان منهدم گردید. ۳- قهرمانان ژاندارمری ارتش جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۵۹۹۷۶، ضمن عملیات خود، تعدادی سنگر و مواضع دشمن را در کانی‌سخت از بین برده و یک دستگاه خودروی نظامی و یک قیسه توپ ضدهوایی را به آتش کشیده و تعداد ۱۴ تن از فریب‌خوردگان دشمن تجاوزگر را به هلاکت رساندند.

بمناسبت روز همبستگی بین المللی با خلق فلسطین

انقلاب ایران با انقلاب فلسطین پیوند ناگسستنی دارد

● سازمان آزادیبخش خلق فلسطین، تنها نماینده راستین خلق فلسطین، مورد پشتیبانی مردم ایران است

سازمان ملل متحد روز هشتم آذرماه را بمنوان روز همبستگی بین‌المللی با خلق فلسطین اعلام داشته است. در این روز نیروهای مرفی و دمکراتیک سراسر جهان، بویژه مردم ایران، که همواره انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ۲۲ بهمن را هم پیوند با انقلاب فلسطین دانسته‌اند، بار دیگر پشتیبانی همه‌جانبه خود را از یککار عادلانه و قهرمانانه مردم فلسطین علیه صهیونیست‌های اسرائیل، هواآزاران امپریالیستی آنها و هم پیمانان خیانت‌پیشه و ارتجاعی‌شان در منطقه ابراز داشتند.

حل مسئله فلسطین نه تنها بجهت خاتمه دادن به آوارگی میلیونها فلسطینی و احقاق حق تعیین سرنوشت خلقی ستمدیده بدست خویش حائز اهمیت است، بلکه همانگونه که سازمان ملل متحد در قطعنامه هفتم مرداد اسال مجمع عمومی بار دیگر خاطر نشان ساخت، عدم حل آن «صلح و امنیت بین‌المللی را سخت به‌مخاطره خواهدانداخت».

براستی که صهیونیسم و امپریالیسم آمریکا با مقاومت لجوجانه خود در برابر حقوق و خواست‌های عادلانه مردم فلسطین، خودداری از شناسایی واقعیت‌های بین‌المللی و نادیده‌انگاشتن افکار عمومی جهانیان، سالیاست که به تشنج آفرینی و تجاوزکاری خود در منطقه دامن‌میزند و خاورمیانه را یکی از انفجاری‌ترین و خطرناک‌ترین نقاط جهان مبدل کرده‌اند.

اسرائیل و امپریالیسم آمریکا، بجای آنکه حق فلسطینی‌های رانده از زاد و بوم خویش را نسبت به بازگشت به سرزمین اجدادی خود برسمیت بشناسند **بقیه در صفحه ۲**

بمناسبت سالگرد استقلال جمهوری دمکراتیک خلق یمن جمهوری دمکراتیک خلق یمن پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است

به راه تحول سوسیالیستی فراهم آورند.

تصویب قانون اساسی

قانون اساسی یمن دمکراتیک، که در ۹ آذر ۱۳۴۹ به تصویب رسید، این کشور را جمهوری دمکراتیک خلق یمن نام نهاد. رژیم جدید مجبور بود کماکان با دسیسه‌های براندازانه ضدانقلاب به‌رویارویی بپردازد. هرکامی که این رژیم به‌پیش برمیداشت، از یکسو با مقاومت سرسختانه دشمنان داخلی و خارجی روبرو میشد و از سوی دیگر مبارزه طبقاتی را در کشور و در داخل جبهه آزادی‌های بسود نیروهای انقلاب و پیشرفت به‌پیش‌می‌راند. در عین حال، اندیشه‌های سوسیالیسم علمی هرچه بیشتر در جبهه آزادی ملی تحکیم می‌پذیرفت. تغییر نام جبهه آزادی ملی به سازمان سیاسی جبهه ملی در همانسال نتیجه منطقی روند نامبرده بود.

دوسال بعد، کنکرة پنجم این سازمان در عین تشکیل شد. کنکرة پنجم تصمیمات مهمی درباره راه آتی و هدفهای انقلاب اتخاذ و همچنین برنامه و آئین‌نامه جدید سازمان سیاسی جبهه ملی را تصویب کرد.

انقلاب ملی - دمکراتیک

برنامه سازمان سیاسی جبهه ملی، از جمله، یادآور گردید که در جمهوری دمکراتیک خلق یمن، انقلابی ملی - دمکراتیک در جریانست، که شرایط گذار آتی آن کشور را به سوسیالیسم فراهم خواهد آورد.

بموجب برنامه نامبرده، در چارچوب سازمان سیاسی جبهه ملی، در راه پایه‌گذاری حزبی پیشاهنگ کوشش خواهد شد. این حزب، که **بقیه در صفحه ۷**

شکایت لیبرال‌ها از فقدان یک نوع «آزادی» بخصوص است!

اختلافاتی که در محیط سیاسی و اجتماعی ما وجود دارد، بر دو نوع است:

۱- اختلاف میان انقلاب و ضدانقلاب، میان خلق و ضدخلق، ۲- اختلاف در داخل صفوف انقلاب و در داخل خلق.

این دو نوع اختلاف با هم فرق بیکاری و ماهوی دارند. اختلاف میان انقلاب و ضدانقلاب و میان خلق و ضدخلق اختلافی است. ناپذیر ناشی از تضاد آشتی‌ناپذیر میان آنها. این نوع اختلاف و این نوع تضاد فقط يك راه حل انقلابی دارد و آنهم اینست که طرف انقلاب بطور قاطع بر ضد انقلاب بیروز شود و آنرا منهدم سازد. آشتی و همکاری و همزیستی میان انقلاب و ضد انقلاب، میان خلق و ضدخلق، بویژه در کشوری که مسئله «که بر که» در آن بسا شدت هرچه تاملتر مطرح است، غیرممکن است. در اینجا منظور ما این نوع اختلافات نیست.

ولی نوع دوم اختلافی - اختلاف در داخل صفوف انقلاب و در داخل خلق - اختلاف آشتی‌پذیر است، زیرا که از تضادهای آشتی‌ناپذیر ناشی نمی‌شود. این نوع اختلاف فقط يك راه حل درست و منطقی دارد، و آنهم تقاض طرفین اختلاف بر روی آن مسائل عدم ایست که مورد قبول همه طرفداران انقلاب و همه نیروهای خلقی است. نه تنها همزیستی، بلکه اتحاد و همکاری ضمیمانه در داخل صفوف **بقیه در صفحه ۷**

در صفحات بعد

مالوئیست‌های جای امریکا و عراق، با جمهوری اسلامی ایران می‌جنگند

صنحه ۲

اسرائیل با کمک‌های همه جانبه آمریکا، جنوب لبنان را به آتش و ویرانی کشیده است

صنحه ۶

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بقیه از صفحه ۱

به تئوری سوسیالیسم علمی مجهز خواهد بود، به نیروی رهبری کننده جامعه در راه پیشبرد هدفهای انقلاب ملی - دمکراتیک تبدیل خواهد گردید.

کنگره وحدت

در راه تشکیل چنین حزب پیشاهنگی بود که در پائیز ۱۳۵۴، کنگره وحدت برگزار گشت. در این کنگره، سازمان جبهه ملی، اتحادیه دمکراتیک خلق و حزب خلق پیشاهنگ، وحدت کردند و سازمان سیاسی متحد جبهه ملی را تشکیل دادند.

در تابستان ۱۳۵۷، کودتای سالم علی، رئیس جمهور وقت یمن دمکراتیک و هواداران خردم-بورژوا - ناسیونالیست او شکست خورد. یکی از هدفهای این کودتای نافرجام جلوگیری از پایه گذاری حزب پیشاهنگ بود.

تشکیل «حزب سوسیالیست یمن»

پس از شکست کودتا، در ۱۹ مهر ۱۳۵۷، حزب سوسیالیست یمن تأسیس یافت. حزب سوسیالیست یمن حزبی است پیشاهنگ، که برنامه و آئین نامه آن به پایه مارکسیسم-لنینیسم استوار است.

با پایه گذاری حزب سوسیالیست یمن، این کشور مرحله ای از تحول اجتماعی خود را آغاز کرد، که از نظر کیفی مرحله ای عالی تر از مراحل پیشین محسوب میشود. در کنگره فوق العاده حزب سوسیالیست یمن، که در ۲۱ مهر اسالدر عدن گشایش یافت، کارنامه حزب در دو سال اخیر مورد بحث و بررسی وسیع نمایندگان کنگره قرار گرفت. این کارنامه بحق مثبت و فخر آفرین توصیف شد.

علی ناصر محمد، دبیر کل حزب سوسیالیست یمن، در گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره گفت:

«زندگی صحت مشی حزب سوسیالیست یمن را، که برایدنولوژی طبقه کارگر متکی است، بی ثبوت رسانیده است. ما ایمان داریم که این کنگره گامی نو در روند انقلابی کشور پشمار خواهد رفت.»

علی ناصر محمد، در گزارش خود به کنگره، لزوم تحکیم همبستگی نیروهای آزادی و پیشرفت در منطقه عرب و تعمیق همکاری آنان را با جامعه کشورهای سوسیالیستی، که در مرکز آن اتحاد شوروی، دوست وفادار و تکیه گاه اساسی مبارزه خلقها در راه آزادی ملی و پیشرفت اجتماعی قرار دارد، تصریح کرد.

دبیر کل حزب سوسیالیست یمن افزود: «ویژگی عمده وضع سیاسی کنونی آنست

بمناسبت سالگرد استقلال جمهوری دمکراتیک خلق یمن

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و مزدوران مرتجعش را علیه جمهوری اسلامی ایران بشدت محکوم کرده و پیوسته همبستگی صمیم خود را با انقلاب ایران ابراز داشته است.

علی ناصر محمد، صدر شورای وزیران،

که تأثیر کشورهای سوسیالیستی بر روند انقلابی جهانی پیوسته گسترش و تعمیق می یابد»

علی ناصر محمد، پس از اشاره به تشدید تلاشهای تجاوزکارانه امپریالیسم در منطقه، گفت: «حزب ما بر اساس سیاست خارجی ما با این توجه های ارتجاعی به مقابله سرسختانه خواهد پرداخت و هر چه بیشتر در راه افشای سیاست امپریالیسم، بویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، که با رفتار بدون مسئولیت خود جهان را به ورطه جنگ سوم جهانی میکشاند، گم برخواهد داشت.»

علی ناصر محمد درباره نقش رهبری حزب خامل نشان ساخت: «این نقش ضامن اصلی اجرای موفقیت آمیز برنامه حزب است، که با منافع حیاتی خلق مطابقت دارد. ما بخوبی دریافته ایم که پیروزی در این زمینه، پیش از همه، تحکیم وحدت ما، مبارزه قاطعانه با اپورتونیزم چپ یا راست و مقابله با جریان های و گرایشهای را می طلبد، که میکوشند مشاجرات فراکسیون را دامن زنند.»

همبستگی یمن دمکراتیک با انقلاب

و جمهوری اسلامی ایران

جمهوری دمکراتیک خلق یمن، همانگونه که پیش از انقلاب شکوهمند ایران، بخاطر موضع گیری قاطعانه خود علیه سیاستهای تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا و ژاندارم شاهنشاهی آن در منطقه و همبستگی پدیدار خود با بیکر ضد - امپریالیستی و ضد استبدادی مردم مبین ما، همواره مقضوب رژیم شاه ملعون و اربابان آمریکایی او بود، پس از پیروزی ۲۲ بهمن نیز بیدرتنگ در صف مقدم دوستان انقلاب و جمهوری نوپای ما در کنگره جهانی قرار گرفت.

صالح محمد صالح، وزیر خارجه جمهوری دمکراتیک خلق یمن، در مصاحبه ای با روزنامه «النهار» (۱۷ مهر ۱۳۵۸) گفت:

«ما خواهان برقراری روابط حسنه میان ایران و خلق های عرب بر اساس تقاضای متقابل و مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و صیوریزم هستیم»

علی احمد ناصر انتظار، وزیر دفاع یمن دمکراتیک در ۲۹ دی ۱۳۵۸ در آئینوی خامل نشان ساخت:

«همه نیروهای صلح دوست باید با قاطعیت تمام در مقابل نژادپرستی امپریالیسم، که هدف آن لطمه زدن به انقلاب افغانستان و انقلاب ایران است، مقاومت ورزند.»

جمهوری دمکراتیک خلق یمن تاکنون همه

دانستنی هایی چند درباره جمهوری دمکراتیک خلق یمن

نام رسمی: جمهوری الیمن الیدموقراطیه
التیمیه (جمهوری دمکراتیک خلق یمن)
مساحت: ۳۳۲۹۶۸ کیلومتر مربع
جمعیت: ۱۹۸۰۰۰۰
پایتخت: عدن (جمعیت: ۲۹۲۰۰۰).
زبان رسمی: عربی.
دین: اسلام

پول: دینار یمنی = ۱۰۰۰ فلس
پرچم: سرخ - سفید - سیاه با ستاره سرخ بر روی مثلث آبی روشن.

هم ترین سازمانهای اجتماعی: «اتحادیه عمومی سندیکاهای یمن»، «اتحادیه جوانان سوسیالیست یمن»، «اتحادیه دمکراتیک دهقانان یمن»، «اتحادیه عمومی زنان یمن»، «سازمان کمیته های دفاع».

هم ترین رسانه های گروهی: «خبر - گزاری عدن»، روزنامه «۱۴ اکتبر»، هفته نامه «الثوری».

صناعات: فرآورده های شیلان، پنبه، پوست، نمک.
واردات: نفت خام، غلات، فرآورده های نساجی، مواد شیمیایی، ماشین آلات، مواد غذایی.

آموزش: در همه سطوح رایگان است. شماره دانش آموزان مدارس هشت کلاسه سال تحصیلی: ۱۳۴۵-۴۶: ۶۱۵۰۰
۱۳۴۸-۴۹: ۱۴۸۵۰۰
۱۳۵۹-۶۰: ۲۵۰۰۰۰
۱۳۶۴-۶۵ (برنامه): ۳۹۰۰۰۰

جمهوری دمکراتیک خلق یمن و دبیر کل حزب سوسیالیست یمن، در سخنرانی در ۲۲ اردیبهشت اسال پیرامون تجاوز طیس گفت:

«امپریالیسم آمریکا سالهاست در منطقه خرابکاری مشغول است... اخیراً جبهاتین خیر جنایت وحشیانه امپریالیسم آمریکا علیه مردم ایران را شنیدند. توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه مردم پیروزمند ایران متجر به امروز چنین عمل احمقانه ای شد. عملی، که از سوی یمن دمکراتیک و همه خلق های آزادی دوست و همه نیروهای صلح دوست در سراسر جهان به نشانه یک خطر جدی برای مناسبات بین المللی محکوم گردید. ما معتقدیم که پیروزی کبیر مردم ایران و افغانستان در سرنگونی رژیم های ضد خلقی و استبداد حاکمیت مردم یک پیروزی واقعی برای صلح در منطقه است. ولی امپریالیسم آمریکا این پیروزی را تهدیدی برای سلطه استعماری خود میداند. امپریالیسم و ارتجاع بین المللی پس از پیروزی انقلاب های ایران و افغانستان با تکیه «اسلامی» بیدان آمدند و به تکرار افسانه «خطر شوروی» پرداختند. عوام فریبی، که ماهیت آن برای همه خلقهای منطقه روشن است.»

همین چند روز پیش نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن، در دیداری با دکتر علی شمس اردکانی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در کویت، پیرامون جنگ تحمیلی دارنده صدام حسین بر ایران گفت:

«ما بخوبی میدانیم که رژیم تکرر ها در بغداد با همکاری امپریالیسم آمریکا این جنگ را شروع کرده است، تا به تصور خود انقلاب ایران را نابود سازد. ولی ما تمام روح و ایمان مان متوجه انقلاب اسلامی ایران است و مطمئن هستیم نیروهای ضللمرئیالیستی خواهند توانست ریشه متجان امپریالیسم و نوکرانشان را در منطقه از چو برکنند.»

ما سیزدهمین سالگرد استقلال جمهوری دمکراتیک خلق یمن را به خلق کشور برادر صمیمانه شادباش میگوئیم و ضمن ابراز قدرانی از همبستگی دیرینه مردم و دولت یمن دمکراتیک با مبارزه و انقلاب خود آرزو داریم که هر چه زودتر مناسبات دیپلماتیک میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک خلق یمن برقرار شود. چنین گامی تنها بسود خلقهای دو کشور ایران و یمن دمکراتیک میتواند بود.

خلاصه، چرا حکومت انقلاب، «آزادی» دلخواه آنها را مطلق نمی کند و در این «مطلقیت آزادی» شمار انقلاب راه که جزء اولی «استقلال» بود، مسخ نمی سازد و اجازه نمیدهد تا طبقات استبداد شکن، یعنی سرمایه داران وابسته و بزرگ زمین داران و نمایندگان سیاسی و ایدئولوژیک آنها فعال مایشاء شوند و آزادانه اراده خود را به خلق زحمتکش تحمیل کنند؟

نعمت والای آزادی نعمت بزرگ و بیمانندی است و ما با تمام نیروی خود از آزادی دفاع می کنیم، ولی نه از آزادی طبقات، مناسبات و سیاستهای ضد استبداد، بلکه از آن آزادی که پاسدار استقلال و موجودیت جمهوری اسلامی ایران، راه گشای سعادت و سربلندی خلق محروم و زحمتکش و مستضعف ایران باشد. زیرا که این انقلاب بخاطر رهائی از سلطه امپریالیسم، سرمایه داری وابسته و زمینداری بزرگ بوده است، و اگر قرار بود پس از مدتی طبقات طاغوتی و اربابان امپریالیست آنها بار دیگر «آزادی عمل» پیدا کنند، که دیگر انقلاب لازم نبود!

هر گروه و یا فرد انقلابی در این دوران حساس و پر مسئولیت، بار دیگر خود را از سنگ محک تاریخ عبور خواهد داد. ما اطمینان داریم که آنانکه به محتوا توجه دارند و نه به شکل ظاهری، در دام لیبرالها نخواهند افتاد و از این آزمایش تاریخی نیز سر بلند و رو - سفید بیرون خواهند آمد. آنها توجه دارند که اختلاف در صفوف انقلاب و در صفوف خلق فقط و فقط بسود ضد انقلاب و ضد خلق است و بطور عینی برای مجموع انقلاب، زیان آور و در شرایط معینی هلاکت بار است. اینگونه اختلافات، که نه بر سر اصول و مبانی عمده و اصلی انقلاب، بلکه بر سر قروح و شیوه ها و اسالیب است، باید هر چه زودتر از روی درک و خرد و آگاهی و وجدان انقلابی حل و برطرف شود. تاریخ انقلابهای گذشته ایران را بخاطر بیساروری و هرگز از یاد نبریم که، یکی از عمده ترین علل شکست این انقلابها، تفرقه در صفوف انقلاب بوده است و محکومان در دادگاه تاریخ همیشه آن نیروها و کسانی بوده اند که دانسته و یا ندانسته این تفرقه های ساخته دیگران افتاده اند. بیوش یاشیم و از تجربه تمام تاریخ معاصر ایران عبرت بگیریم.

مطرح می کنیم، بهیچوجه منظورمان این نیست که مدعی شویم که گویا در انقلاب ما اصلاً نقصی نیست و آزادی و قانون و امنیت قضائی اینجا و آنجا نقض نمی شود و قشری گری و انحصار طلبی اصلاً وجود ندارد. ما می گوئیم که:

اولاً دشمن غداری بدستور آمریکا وارد خانه ما شده و میخواهد انقلاب ما را نابود سازد و کشور از بندرسته ما را از نو بر زیر اسارت بکشد. در چنین موقعی هیچ آدم حداقل مبین دوستی، ولو صد در صد محق، بهیچ عنوانی این الهشنگه «آزادیخواهی» را راه نمی اندازد و این جنگ را پیا پیا نمی کند. اگر قرار باشد که کسی از نقض قوانین و نقض امنیت قضائی و محدود شدن «آزادی» شکایت کند، باید حزب توده ایران پیش از هر کسی فریاد بلند کند - که با وجود صداقت و فداکاری چنانچه از آنهاش در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، هنوز هم بسیاری از دقار و مراکزش در اشغال غیر قانونی قرار دارد - و نه لیبرالها، که صاحب مقام بوده و هستند، و اگر هم «اسانه ادبی» به روزنامه شان شود (که این «اسانه ادبی» هم از هر منتهائی باشد - نتیجه عملی آن دادن زمینه برای اثبات «فقدان آزادی» و دادن خوراک به تمزیه گردنهای «ایوای آزادی» بوده است) در اسرع وقت مفرشان آزاد میشود!

ثانیاً - و به همین دلیل ما می گوئیم که: ناله لیبرالها از «فقدان آزادی» برای هر نوع آزادی نیست، بلکه شکایت آنها از فقدان یک نوع «آزادی» بخصوص است. آنها از این می نالند که: چرا دولت انقلاب با ایجاد بخش دولتی و تعاونی در اقتصاد «آزادی» سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ را محدود میسازد؟ چرا میخواهد با برقراری انحصار دولتی در بازرگانی خارجی، «آزادی» سرمایه داران وابسته را در غارت ارز کشور و چپاول مردم محروم از بین ببرد و درآمد میلیارد میلیاردی سرمایه داران وابسته غارتگر را محدود سازد؟ چرا تقسیم اراضی زمین داران بزرگ را مطرح میکند و «آزادی» چپاول این غارتگران را بخاطر می اندازد؟ چرا حکومت انقلاب رادیکالیزم را از دست «آدمهای» آنها میگیرد و «آزادی» آنها را در اشاعه جلیلیات بنگاه های خیرگسزاری امپریالیستی - صیوریزمی از بین می برد؟ چرا انقلاب ما روی «دم شیر» (شیطان بزرگ - آمریکا) میکندارد و جاسوسها را «گروگان» میگیرد و نمی گذارد، آنها «آزادانه» با این «شیر» سازش کنند و چندین جای دیگر از این قبیل.

شکایت لیبرالها...

بقیه از صفحه ۱

انقلاب و صفوف خلق بر مبنای مسائل عمده مشترک - علیرغم اختلاف نظر در مسائل غیر عمده - بویژه در کشوری که با این همه قربانی و فداکاری یک چنین انقلاب عظیم و دوران سازی را برافروخته است، نه تنها ممکن، بلکه ضروری و واجب است. و از اهم واجبات است. لذا وقتیکه از لزوم احتراز از اختلاف و ضرورت اتحاد صحبت می کنیم، اتحاد در صفوف انقلاب و صفوف خلق مورد نظر ماست. ولی در نهایت تأسف باید بگوئیم که در جریان حوادث اخیر، جامعه ما شاهد حالت تاثر انگیزی بوده است که برخی از گروهها و افراد مبارز و مورد احترام، نتوانستند در آن موضع و مقامی قرار بگیرند که شایسته متواضع و زحمت و کثرت نیات قلبی آنها بود، که میخواهند با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خط قاطع ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی خدمت بکنند. با تکیه بر همین زادگاه خلق و راه زندگی آنهاست که، امیدواریم که هر چه زودتر متوجه شوند و بدانند که اطراف این علم دایوای آزادی که لیبرالها بلند کرده اند، جای آنها نیست.

باید بخود سؤال داد که: لیبرالها، اگر واقعا طرفدار «آزادی» هستند، چرا وقتیکه خود حکومت را در دست داشتند، «آزادی» را فراموش کرده بودند؟ چرا امروز که از «فقدان آزادی» دم میزنند فقط «آزادی» خودشان را میخواهند؟ و از همه مهمتر - چرا در دست هنگامی نه من غریب «آزادی» را براه انداخته اند و با توبی «دفاع از آزادی» وحدت خلق را گلوله باران می کنند، که از آنسوی دیگر، گلوله های صدام آمریکایی بر بنای جمهوری اسلامی ایران فرود می ریزد؟ آیا این سزاوار است که یک گروه مبارز و یک شخصیت انقلابی، یک چنین موقع و اوضاع و احوالی را از مد نظر کنار بگذارد و عملاً در کنار کسانی قرار بگیرد که همزمان با صدام جنایتکار، از این سوی سنگر، به انقلاب ایران خنجر می زنند؟ ولی بهر حال این اختلاف در داخل صفوف انقلاب است. اختلافی است که میتواند و باید بسود انقلاب، بسود تحکیم اتحاد نیروهای انقلابی در خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، حل شود. ما که با دلسوزی و صمیمیت این مطالب را با این دوستان

در یکی از جلسات یرمش و پاستخ، قرنی رسیدند. شما وقتی در مقابل سازمان‌های مائوئیستی مانند «بیکار» و ... موضع می‌گیرید، بدون مدرک، بر حسب عمل مستقیم سب و امیرالیسم را برایشان آتیه‌میزید. خواهش میکنم اگر در مورد وابسته بودن بیکار، یا کومه‌با سب و موساد مدرکی دارید روکنید.

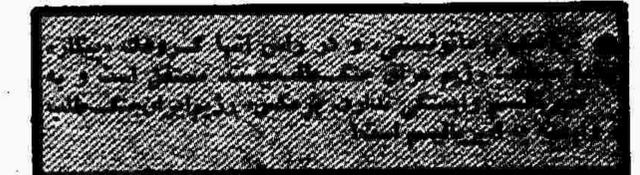
رفیق نورالدین کیاتوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، پاسخ داد:

چنانکه بارها گفتم، ما هیچ‌سند و مدرکی مبنی بر اینکه تک‌تک افراد بیکار یا گروه‌های دیگر مائوئیستی یا امیرالیسم رابطه دارند و از آن مزد می‌گیرند، نداریم. اما برای وابستگی برخی از گردانندگان این گروه‌ها به محافل و سازمان‌های امنیتی امیرالیستی، دلائل تاریخی در دسترس است. امروز گروه‌های مائوئیستی در سطح جهانی همکار امیرالیسم هستند و در هم‌جا شمارهایشان با شمارهای محافل امیرالیستی یکی است. جزوه شماره ۴ «پرستی و پاسخ» - سال ۱۳۵۸ - صفحه ۱۴۰

اکنون در لحظه تاریخی معینی - که از تجاوز رژیم جنایتکار صدام به ایران آغاز شد - شاهد یکدیگر از این دلائل هستیم و گروه‌های مائوئیستی، و در راس آنها گروهک «سازمان بیکار با طبقه کارگر» که تنها شعارشان با محافل امیرالیستی یکی است، بلکه عملاً با امیرالیسم در یک سنگر قرار دارند.

هر چند توده‌های میلیونی خلق: کارگران، دهقانان، دیگر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی، که شاه به شاه علیه دشمن می‌روند و با خون خوش سد راه متجاوزان میشوند، کوچکترین شکی در ماهیت جنگ تحمیلی رژیم صدام بر ایران، که همانا یورش امیرالیسم آمریکا به انقلاب ایران باشد، ندارند. هر چند که از فرزندان گوئل مولوف بدست کوجه و خیابان «توین شهر» گرفته، تا دهقانان اعماق روستاهای ایران، که از دهان خوش می‌برد تا غنای جیبه‌نبرد فراهم‌شود، کمترین تردیدی در تهاجم امیرالیسم آمریکا زیرمناک عراق به انقلاب وطن ما ندارند، ولی ما برای ورود درمیختی که مدارک همخوانی مائوئیستی‌های «بیکار» را با آمریکا از زبان خود آنها ارائه خواهیم داد، دو خبر را برای هواداران «کتاب» بیکار باز نویسی می‌کنیم، تا اگر کشتار خلق‌های یزدان ایران توسط جنایتکاران آمریکایی - صدامی چشم و گوش هواداران صادق «بیکار» را باز نکرده، شاید این نقل قول‌های «کتاب» بیکار بیاید:

۱- پس از جلسه شورای امنیت ملی در آمریکا، که برای بررسی جنگ عراق با ایران تشکیل شده بود، بین مقامات آمریکا اختلاف بوجود آمده است. بطوری که واتر ماندل، معاون و ماسکی وزیر خارجه پیش‌شهادت‌پرستی کرده‌اند و این درحالی است که برژیسکی مشاور امنیتی کاتر مستند است آمریکا بطور کلی جهت متوقف کردن انقلاب اسلامی ایران، باید کاملاً از رژیم عراق پشتیبانی کند. (تأکید از ملت - جمهوری اسلامی، ۱۴ آبان ۵۹ - ص ۱۴)



۲- دادمنده ماسکی وزیر امور خارجه آمریکا گفت: «هیچکس با ما درباره تنظیم وقت این جنگ مشورت نکرده است». (کیهان - ۲۰ مهر ۵۹ - ص ۱۰)

البته این اظهارات چندان برد «بیکار» نتواند خورد، زیرا، آنچه‌که خواهیم دید، حتی اگر خود آمریکا هم مستقیماً به ایران حمله کند، «بیکار»ها بترس برای رهائی طبقه کارگر، با رژیم ایران خواهند جنگید. پس بیخیم خود «آقایان» چه می‌گویند.

«بیکار» میگویند:

«این جنگ، جنگی است میان دو ارتجاع». (ضمیمه - شماره ۷۵ - صفحه ۴)

و می‌افزاید:

«ادامه برادر کنی، ادامه تبلیغات کاذب میهن‌پرستانه (مبین بورژوازی) هر دو طرف، اهداف تجاوزکارانه‌ای که هر یک از دو طرف نسبت به یکدیگر دنبال می‌کنند، کشتار توده‌های تحت‌تسلیم بوسیلهٔ بمباران شهرها، سرکوب نیروهای انقلابی داخلی به بهانه «انفراگری» و «شایع‌سازی» و ... سعی در بیخ توده‌های ناآگاه بدنبال خود، زمین‌سازی سرکوب آینده بوسیلهٔ تقویت ارگانهای سرکوب (ارتش) و غیره، همه نشان‌دهنده ماهیت این جنگ، نشان‌دهنده آن سیاستی است که هر یک از طبقات ارتجاعی حاکم در جامعه ایران و عراق دنبال می‌کنند. (شماره ۷۵ - ص ۱ و ۲)

بدین ترتیب «بیکار» چنین جلوه‌میدهد که از نظر «گوزی مارکسیستی» از آنجا که ماهیت هر دو رژیم ارتجاعی است، باید «کمیونست‌های هر دو کشور، توده‌ها را برای نبرد علیه «بورژوازی» هر دو کشور بسیج کنند. این «مسک کوریس»ها، که ترویج آن از شعارها و کلمات ماوراء انقلابی چه یافته شده، پس رژیم، تا جیره واقفیت را بیخیم.

رژیم عراق «مستقل» است!

نقل قول‌های قبلی را بدقت مرور کنید: «بیکار» صریحاً رژیم ایران را به «تجاوز» به عراق و کشتار توده‌های تحت‌تسلیم عراق متهم کرده است. این اتهام، زمینه‌چینی اساسی «بیکار» است، که با تبلیغ پیرامون آن، مبداء هدف اصلی خود را اعلام می‌کند. درین همین اتهام، که هدف آن وابسته و متجاوز نشان‌دادن ایران و مستقل و صلح‌دوست معرفی کردن رژیم جنایتکار صدام است، «بیکار» می‌نویسند:

«ارتجاعی دانستن این جنگ عبارت است از مبارزه علیه هر دو رژیم خارتگر و تجاوزگر». (بیکار، ۷۵ - ص ۱۴)

و باین ترتیب ایران، درحالی‌که ارتش عراق در خاک میهن ماست، بدست به نظرت می‌زند! البته غارت چه‌چیز، معلوم نیست! «بیکار» سپس رندانه تجاوز رژیم صدام را به ایران رد می‌کند و می‌نویسد:

«آنها سخن از تجاوز یک‌جانبه می‌گویند، از یورش به توده‌ها و ... بدین ترتیب آنها ماهیت جنگ را نه از روی ماهیت دولتهای شرکت‌کننده در جنگ، تهریستی تر لنین می‌بینیم، اینکه جنگ ادامه سیاست به وسائل دیگر است، بلکه بر مبنای غیرطبقی و رژیونیستی استوار می‌کنند. (همانجا - صفحه ۱۵)

اما تبلیغات «بیکار» برای رژیم جنایتکار صدام از اینم فراتر می‌روند: «صراحت پیشنهاد آنتریس، میانجیگری و مذاکره را پذیرفت، اما جمهوری اسلامی آن را رد کرد. عراق به‌این‌خاطر خواهان مذاکره و میانجیگری است که در جنگ موفقیت‌های نسبی در مدار مرزی بدست آورده است. او میخواهد مذاکره انجام گیرد، تا با توجه به این موفقیت‌ها امتیازاتی از جمهوری اسلامی بگیرد، باین‌خاطر او به گسترش جنگ

مائوئیست‌ها بجای امریکا و عراق، با ایران می‌جنگند

علاقه‌ای نشان نمیدهند. همانجا - ص ۱۵

در زمان انتشار این دفترچه از رژیم جنایتکار صدام، یعنی ۱۴ مهر ۵۹، علاوه بر شهرهای قهرشیرین و سرپل‌دهاب و سوسنگرد (که آزمان در تصرف رژیم عراق بود و بعداً نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و زحمتکشان انقلابی پل‌دهاب و سوسنگرد را پس گرفتند) قسمت‌های دیگری از خاک ایران در اشغال رژیم عراق بود. در واقع «بیکار» در دفترچه بالا بخش‌هایی از خاک «مبین بورژوازی» را به رژیم عراق می‌بخشد و از ایران میخواهد که از جنگ دست بردارد، تا او پس و بختیار... از این «موفقیت نسبی» استفاده کند و «ایران آزاده» را تشکیل دهد. علاوه بر این، «بیکار» معتقد است که رژیم عراق به گسترش جنگ علاقه ندارد. حتماً بعد از اشغال بخش‌هایی از خرمشهر و محاصره آبادان، رهبران «بیکار» همچنان بر این عقیده استوارند!

بعد از فرات رفتن دفترچه بالا درباره رژیم جنایتکار صدام، مائوئیست‌های «بیکار» ایران را به جنگ طلبی متهم می‌کنند:

«اما برعکس، رژیم جمهوری اسلامی که در جنگ بخش‌هایی از مدار مرزی را از دست داده و رقیب را در موضع بهتر می‌بیند، مذاکره و میانجیگری را رد می‌کند و آن را به زمانی موقوف می‌کند که وضعیت بهتری در جبهه‌های جنگ بدست آورده، چنین است که مریدهای جنگ طلبی سر می‌دهند. (همانجا - ص ۱۵)

علت این موضع‌گیری «بیکار» چیست؟ علت این است: برای ما شک و ابهامی وجود ندارد که رژیم ضد خلقی عراق کارگزار امپریالیسم نیست. (ضمیمه شماره ۷۵ - ص ۲)

و درست به همین دلیل است که ایران ذبیح نیست: «مناظر که مشاهده می‌کنیم امروز نیز سوسیالیست‌ها، از این جنگ ارتجاعی، که هدف از آنهم سرکوب انقلاب و هم توسعه منافع اقتصادی است، به نفع بورژوازی خودی چندبدری کرده و با حاصل امیرالیست خواندن عراق، سعی می‌کنند تا طرف ایرانی را «ذبیح» و «محل» نشان دهند. (همانجا)

«بیکار» در ادامه این «توری» سرانجام به هدف نهائی میرسد و صریحاً اعلام میدارد که رژیم عراق بطور «مستقل» در این «جنگ» - «بیکار» می‌نویسد جنگ و نه تجاوز - شرکت کرده و باین ترتیب آمریکا را تیره می‌کند:

«هدف رژیم فاشیستی عراق از این جنگ، جامه عدل‌پوشاندن به آرزوهای استیلاطلبانه و توسعه‌طلبانه بورژوازی خوش، ضمیمه کردن خوزستان به عراق و کنترل خلیج فارس و شیخ‌نشین‌های آنست. (اعلامیه شماره ۹۸) توجه کنید! «بیکار»ها صریحاً سخنان برژیسکی و ماسکی را، مبنی بر شرکت در جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام علیه ایران که در ابتدای مطلب آورده‌ایم، با اظهار نظری بی‌بلا تکذیب می‌کنند!

اکنون آرام آرام قلاب پس می‌رود و چهره واقعی کسانی که درین انقاف انقلابی همه به تور امیرالیسم آمریکا می‌ریزند، از سایه پندمی آید. اما از اینم باید بیشتر رفت و برای ابیات اینکه رژیم ایران از رژیم عراق «جنايت‌گري» است، به تبلیغ پرداخت. در حالی که حتی غیرگروهبان و راديوهای امیرالیستی هنوز جرئت نکرده‌اند دروغ بزرگی چون بمباران مناطق مسکونی عراق را توسط ایران جعل کنند، «بیکار» این وظیفه را انجام میدهد:

«رژیم‌های ارتجاعی ایران و عراق به بمباران مناطق مسکونی یکدیگر می‌پردازند... ایران نیز با بمباران مناطق مسکونی در بغداد، کرکوک و ... دهان از زحمتکشان غیر مسلح را در خانه و کاشانه خود کشته و خانه‌هایشان را ویران کرده‌است. (بیکار - ص ۷)

و این تنها «جنايات ایران» نیست. اینکه: جنگ هزاران تن از توده‌های ستمدیده را آواره می‌سازد، هم‌اکنون هزاران نفر از خرمشهر و قهرشیرین آواره شده‌اند، (همانجا) اینکه: «در پلایاشک آبادان و دیگر نلسیسات نفتی ده‌ها هزار نفر کارگر بیکار شده‌اند، ویران کردن مزارع، کشاورزان را نیز، در وضع مشابهی قرار میدهند (همانجا) همه و همه برگردن رژیم ایران است!

یزدقان که هست؟ «بیکار» در ابتدا با اصرار ثابت کرد که رژیم عراق طالب گسترش جنگ نیست، میخواهد صلح کند و این ایران است که هر روزه‌های جنگ طلبی سر می‌دهد. به این ترتیب همه جنايات رژیم صدام هم پای ایران توشه میشود!

رژیم ایران «وابسته به امپریالیسم» است!

اما «بیکار»ها دست بردار نیستند! آنها روی راديو بغداد را هم سفید می‌کنند. رژیم ایران «ارتجاعی و ضدانقلابی است». (اعلامیه شماره ۸۲) رژیم ایران «فریکارانه» میخواهد: «مبارزات انقلابی توده‌ها را از دست‌امالی خود، یعنی از سیستم سرمایه‌داری وابسته و رژیم حافظ آن» (همانجا) منحرف کند. رژیم ایران میخواهد با استفاده از جنگ: «جنايات» بیشتر خود را نسبت به نیروهای انقلابی و توده‌های خلق پرده‌پوشی، (همانجا) نماید. رژیم ایران به شکنجه، آزار و ترور (همانجا) مشغول است. رژیم ایران: «خلق ترکن را مورد یورش و تهاجم قرار میدهد، کارگران مبارز را از کارخانجات اخراج می‌کند و امتصایات برخی کارگران را سرکوب می‌نماید، دهقانان زحمتکش و فقیر را بجزم مصادرزمین‌داران بزرگ مورد تهاجم و سرکوب قرار میدهد، آزادی‌های سیاسی را سرکوب می‌کند، فرزندان انقلابی خلق و بویژه انقلابیون، کمیونست را دسته‌دسته شکنجه، زندانی و تیرباران می‌کند و بالاخره با برامانداختن دسته‌های پانده سبیه و ترور و شکنجه به ترور فرزندان خلق» (همانجا) دست می‌زند.

نژده این اول کار است، زیرا که رژیم ایران نماینده امپریالیسم آمریکا در سرکوب چپ است. (بیکار ۷۸) و نمایندگان مجلس مسافرت رجائی و

آستانوسمی امپریالیسم را تقدیر می‌کنند (همان شماره، ص ۴۴) و چنین است که آقای کاتر، ماسکی، برژیسکی و خلاصه همه کله‌کندگی‌های امپریالیسم آمریکا در هنگام رفتن رجایی به نیویورک برای نشان‌دادن محبت خود به رژیم جمهوری اسلامی، تا آنجا می‌روند که عملاً در جنگ ایران و عراق به حمایت از رژیم ایران برمیخیزند، (همانجا) زیرا که: «اعلان رفتن رجائی به نیویورک خود چراغ سبزی به امپریالیسم آمریکا» (همانجا) بود.

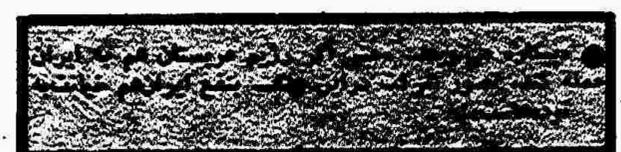
تا اینجا بدون اشاره به همخوانی دقیق این نظریات «بیکار» با راديو بغداد، صدای آمریکا و برژیسکی، رژیم ایران - البته توسط مائوئیست‌های «بیکار» - به امپریالیسم آمریکا چراغ سبز نشان داده است. اما کاره‌توز ادامه دارد: «رژیم جمهوری اسلامی دست‌به‌دامان امپریالیسم فرانسه میشود» (خبرنامه جنگ - شماره ۴۰) و از طریق خبیر که منح آن‌مورد اعتماد «بیکار» است: یعنی «لوموند»، مائوئیست‌های «بیکار» کشف میکنند که: «این اولین نشانه‌های گرایش به قرب ملتی رژیم است» (همانجا) و سرانجام حرف آخر که: «هیات حاکم از این ساله فقط میخواهند بدین‌عنوان مانور تبلیغاتی استفاده کنند و (اشاره به یزدان تکه هرمز) میان ساختن که موافق منافع امپریالیسم هستند اگر گامی اوقات برای فریب‌توده‌ها به امپریالیسم فتن می‌دهند، اما هرگز نمی‌خواهند ضروری به‌آورسانند و در هیات حاکمه نیز مشخص‌تر شد که اگر چه «دمورد شکل برخورد (ضمان دادن یا ندادن) اختلاف هست، اما در محتوای برخورد یعنی حفظ منافع امپریالیسم اختلافی نیست» (بیکار ۷۶ - ص ۱۷) و نتیجه مائوئیست‌های «بیکار» اینک: رژیم ایران «وابسته به امپریالیسم» است!

جنگیدن با رژیم عربستان هم گناه است!

اما، راه دوری را پیونده رژیم، که ماهیت «بیکار» را نشان دهد، اگر کمی زودتر ضمیمه شماره ۳ بیکار ۷۵ را می‌دیدیم، میتوانستیم چهره واقعی «بیکار» را در پس ماسکی که خود از چهره بیکار زده است، پرورشی به بینیم. هنوز هم دور نشده است. «بیکار» می‌نویسد:

«حال فرض کنیم که عراق نیز مثل عربستان سعودی یک رژیم کارگزار و آتیم کارگزار امپریالیسم آمریکا باشد، حتی در چنین صورتی نیز ماهیت جنگ ایران و عراق نمی‌تواند از جانب ایران خصلت انقلابی و رهاشی بخش داشته باشد، چرا که هر دو رژیم ارتجاعی هستند و تا مادامی که جنگ بصورت یک جنگ ملی و رهاشی بخش در نیامده است، تصور شرکت در این جنگ نیز خیانت به پروتاریا و خلق‌های دو کشور است. (ص ۴)

روشن شده حتی اگر عربستان سعودی هم به ایران حمله کند، وضع باحال، که رژیم عراق که کارگزار امپریالیسم نیست! به ایران حمله کرده‌است، هیچ فرقی نمی‌کند. باین ترتیب از نظر «بیکار» اگر خود دولت آمریکا هم مستقیماً در ایران نیروی نظامی پانده کند، بترس فرقی نمی‌کند، زیرا که هر دو رژیم ارتجاعی هستند! اینست نتیجه نهائی صلیب «بیکار».



این است چهره واقعی سازمان بیکار با طبقه کارگر. و دست بهین دلیل است که، در تمام مقالات «بیکار» درباره جنگ از آغاز تا کنون، حتی یک جمله علیه امپریالیسم آمریکا وجود ندارد. «بیکار» تصویر آواکرها به عربستان، اعزام نیروی نظامی مصر و اردن به عراق، پشتیبانی خالد ملک‌حسن، ملک‌حسین، قابوس، ضیال‌الحق از رژیم صدام، گسترش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و دیگر دمیسه‌های امپریالیسم آمریکا را در منطقه کاملاً مسکوت گذاشته - کاملاً طبعی است - و در عوض یک مقاله مفصل را به‌دشنام‌گویی علیه اتحاد شوروی اختصاص داده و همه اخبار محافل امپریالیستی را علیه اتحاد شوروی بنویسند. اراکه داده است، تا ثابت کند که دشمن اصلی ایران سوسیال امپریالیسم شوروی است!

مائوئیست‌های خائن «بیکار»، علیه جمهوری اسلامی ایران مسلح میشوند

چند روز پیش فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فارس طی یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه «کیهان» اعلام کرد که عده‌ای از اعضای گروه «بیکار» آمریکا - مائوئیستی ضد انقلابی «بیکار» - که در صدد ایجاد اغتشاش و تحریک در میان مهاجرین از مناطق جنگ زده به فارس بودند، دستگیر شده‌اند و بزودی در دادگاه انقلاب زمان جنگ محاکمه میشوند. دکتر مسعود خاتمی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فارس همچنین افزود که ضدانقلابیون «بیکار» در جبهه‌های جنگ مخصوص خونین شهر، از پشت پاسداران مدافع انقلاب را مورد حمله قرار داده و به شهادت میرسانند.

همچنین طبق اخبار موثق، ضیانتکاران «بیکار» در جبهه جنگ به سلاح‌های آن به خارج از جبهه جنگ واختفای آن مشغولند و خود را برای جنگ با جمهوری اسلامی ایران آماده می‌کنند.

مائوئیست‌ها اکنون دیگر از جمله پرداز و تخریب با فیهای ما و «انقلابی» دست برداشته‌اند و به عملی ساختن این تئوریه‌ها پرداخته‌اند، آنها به مجریسان توطئه امپریالیسم آمریکا یعنی تجا و زرگان بدست عراق، دست‌یاری داده، از پشت مدافعان انقلاب را خائسانه مورد حمله قرار می‌دهند، آنها طبق طرح امپریالیسم آمریکا برای ایجاد تشنج و اغتشاش در پشت جبهه، می‌کوشند تا در میان آوارگان، دست‌به تحریکات بزنند و سرانجام منطبق بر عمل و خواست امپریالیسم آمریکا که با تمام قوا در صدد تضعیف و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است، سلاهای منفقان انقلاب را می‌ریزند تا آنرا علیه انقلاب بیکار را ندانند. مائوئیست‌های گروهک آمریکایی «بیکار» در کردستان نیز همگام با کومه و دیگر گروهک‌های خائن وابسته به صدام حسین، علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه می‌کنند.

گذری بر کوره آجرپزی «قازلیان»

در چند متری روستای قازلیان، یک کوره آجرپزی با ۱۶ سال سابقه کار وجود دارد. تعداد کارگران آن در حال حاضر ۷ نفر است و اکثریت آنان را زنان و نوجوانان تشکیل می دهند. همه کارگران در شرایط سخت و طاقت فرسا به کار مشغولند.

در ارتباط با شرایط کار و امکانات عمومی محل، با یکی از کارگران به نام کاک محمود، که مردی ۴۵ ساله است و به همراه پسرش در آنجا کار می کند، گفتگویی کنیم. لب لبه گلایه می کشاید و می گوید:

"من اهل همین ده هستم. یک خانواده شش نفره دارم. زمینی ندارم. تاروی آن کارکنم و خرج خانواده ام - ۱۲ ماهه را در اینجا کار میکنم و هزینه بقیه سال را که بیکار هستم تامین کنیم. البته قبلا این مدت را بیشتر در شرکت های ساختمانی و جاده سازی کار می کردیم، که بعلمت شرایط خاصی منطقه و بعلمت عدم امنیت در منطقه، دیگر این امکان را نداریم. پس از وی پسرش "محمد" ادامه می دهد و می گوید:

"کار ما کار کردن نیست، جان کنن است. صبح از ساعت ۴ کار می آئیم و شب ساعت هشت یا نه به خانه می گردیم. در این فاصله فقط نیم ساعت را صرف نا هار می کنیم. با این حال یک کارگر پرکاری می توانست روزانه بطور متوسط فقط ۱۲۰۰ الی ۱۳۰۰ آجر درست کند. ما در ازاء هر ۱۰۰۰ آجر ۵۰۰ ریال دریافت می کنیم. البته کار فرما در این ماه صد ریال آنرا کم کرد و به ما نداد. ولی کاری نمیتوانیم بکنیم. ما مجبوریم در این شرایط بیکاری را نیز در بیاوریم. پس از این گفتگو با دو تن از کارگران نوجوان صحبت کردیم، خالد امینی ۱۵ ساله گفت:

"من از اهالی علی آباد، دهی که در فاصله هفت کیلومتری اینجا قرار دارد، هستم و دایه زاده ام، که اسمش یوسف مرادی است، در اینجا کسار می کنیم. من به علت فقر مالی ترک تحصیل کرده ام."

پس از آن یوسف نوجوان ۱۲ ساله ای که فقر و درونج در چهره اش دیده می شد، گفت:

"من ۱۱ سال در کلاس پنجم قبول شده ام و بیاید برای ادامه تحصیل به بوکان بروم. من مجبورم مدتی از سال تحصیلی را در اینجا کار کنم، تا خرج پدر پیر و آنچه کوچکتر از خودم را نیز بدست بیاورم."

در مورد خواست ها و انتظاراتش از انقلاب گفت:

"اینها را مسئولین بهتر از من میدانند و فقط می توانم بگویم که بیا ما خیلی ظلم شده است، ظلمی که نمونه آن را در همین جا هم می توان دید."

شهرهای کردستان بعلمت جواکم بر آن، شرایط سختی را می گذرانند. زحمتکاران این شهرها در ارتباط با درگیری های کردستان، فشار زیادی را تحمل کرده اند و هر روز نیز برای فشارها افزوده می شود. این مردم در دوران طاغوت بعلمت سیاست های فدخلقی رژیم همیشه به بهانه های مختلف در معرض هجوم مزدوران رژیم بودند و همیشه صدای حق طلبانه آنها در گلو خفه میشد. مردم این نواحی پس از انقلاب امیدوار بودند که حقوق حقه آنها - محترم شمرده شود. ولی متاسفانه بعلمت تعلل در امر تامین خود مختاری، یا خودگردانی خلقها (حق) که مورد تأکید امام خمینی بوده و در قانون اساسی نیز بر آن تأکید شده است، فدا انقلاب از فرصت استفاده کرد و جنگ برادرکنشی در کردستان برآه انداخت و مردم را نسبت به دست یافتن به حقوقشان و نسبت به محاکمیت کشونی بدبین کرد. اما پس از پیام تاریخی امام خمینی درباره کردستان، در آبانماه سال گذشته، این امیدواری برای مردم لطمه شد که بتوانند حقوق خود را بدست آورند. با وجود این با کارکنی مردود طرف رگیر، این حقوق تاکنون نادیده

کارگران میکانیکی نادر و دشت (فارس): برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران با اسلحه جلوی امریکار می گیریم

* کمی دستمزد، نبودن بیمه، عدم بهداشت محل کار، نداشتن سندیکا از مهمترین مشکلات محل کار کارگران است، ضد انقلاب نمی گذارد بوضع ما رسیدگی کنند

* وضع ما نسبت به قبل از انقلاب بهتر شده است

در جلو تعمیرگاه، کارگران با چهره های سیاه شده از روغن و گاهی با سنین خیلی کم، در حال رفت و آمد هستند. بداخل کارگاه نمیرویم، محوطه وسیع خاکی که ماشینهای اوراق شده در آن پراکنده است.

ابتدا با آیت زارع ۱۳ ساله که کلاس دوم ابتدائی است صحبت می کنیم. می گوید: "از صبح ساعت ۷ تا بعد از ظهر کار میکنم. یکسال هم سابقه کار دارم. در اینجا خطر کار زیاد است. مثل باز کردن گیربکس که خطر افتادن آن روی بدن ما هسته چند وقت پیش انگشت دست ویای یکی از کارگران شکست."

ویدر باره مشکلات محل کار می گوید: "زمین اینجا خاکی است و به ما مزد کم می دهند. از نظر شرایط محل کار، ایمنی نداریم. از طرف دولت که برای بیمه کردن می آیند ما بیکار ما را قایم می کنند. اسم کارگران را یک بار ما مور بیمه نوشته بود که ما بیکار اسمها را پس گرفت و گفت: اینجا کارگران موقت هستند."

نعمت زارع که درس را به علت مشکلات مالی ترک کرده است می گوید: "۶ سال سابقه کار دارم و هفته ای ۱۵۰ تومان میگیرم. تمام کار بیاده و سوار کردن موتور را به تنهایی میکنم. در اینجا ما سندیکا نداریم که از حقوقمان دفاع کند."

دولت جمهوری اسلامی ایران باید نظارت کامل بر کارگاه های کوچک داشته باشد تا مقررات و قوانین کار رعایت شود، رعایت کردن بهداشت محل کار و مقررات ایمنی خواست کارگران از کارفرماست.

اسفندیار کشا ورزی متولد سال ۴۲



محتکران را محاکمه کنید و اموالشان را بفتح مردم مصادره کنید!

با ۴ سال سابقه کار روزانه ۶ تومان میگیرد. وی میگوید: "میوه گران است، لوازم گیر نمی آید. وضع مسکن ما خراب است و در یک خانه کهنه اجاره ای زندگی می کنیم. البته فعلا ضد انقلاب نمی گذارد دولت به وضع ما رسیدگی کند و من دولت جمهوری اسلامی ایران را تا بهد کرده و اگر آمریکا حمله کند همه ما یا اخله جلوتیش را میگیریم." یحیی حسینی ۱۸ ساله میگوید: "محل کار ما در آن کار میکنیم باید تمیز باشد. دستشویی داشته باشد در زمستانها در گودال آب جمع میشود و تابستانها گرد و خاک نمیگذارد. کار کنیم. وی درباره مزد خود میگوید: "روزی ۱۲ ساعت کار میکنم، هفته ای ۶۸۰ تومان میگیرم. زمستانها همزمان را کمتر میدهند. از دولت میخواهیم کارگاهها را بدقت بازرسی کنند. اگر سانحه ای اتفاق بیافتد و از کار بیافتیم بیمه نیستیم، خانواده ام ۱۰ نفرند که خرج خانواده را من میدهم. پدرم از

کار افتاده است" و ادامه میدهد: "دولت بایده کارگران برای تشکیل خانواده وام بدهد. وضع ما نسبت به قبل از انقلاب بهتر شده است، قبل از انقلاب تا نصف شب کار میکردیم. و در باره گرانی میگوید: "محتکران و سرمایه داران عامل گرانی را باید محاکمه و اموالشان را مصادره کنند. سرمایه های خارجی و بازرگانی خارجی باید ملی شود. چه سرمایه است پیش تجار جمع شده است. خواستهای این کارگران خواستهای بجایی است. اینان که در ۲۲ بهمن ۵۷ حماسه آفریدند و با مشت های گره کرده خود حکومت شاه را سرنگون کردند. اینک در سنگر نبرد علیه تجار و نظامی و در سنگر تولهیدی کارخانه ها از جمهوری اسلامی ایران دفاع و حاضرند با دل و پشتیبانی می کنند و حاضرند با دل و جان با امپریالیسم بجنگند. بر مقامات مسئول دولت است که محیط کار و شرایط زندگی شان را بهبود بخشند و زمینه تولید هر چه بیشتر و کار پرثمرتر را فراهم آورند."

کارگران «سوپر گاز» آماده مقابله با دشمن متجاوز هستند

عباد الله حیدری نژاد، در بیان کارخانه نیز می گوید: "من هر روز خدا حافظی مفصلی با خانواده ام می کنم و به کارخانه می آیم، چون هر لحظه منتظرم که از همین جا ما را به مرز ببرند. ما برای دفاع از انقلاب آماده ایم." کارگران انقلابی میهنان بدرستی شرایط را تشخیص داده اند و نیوسری خود را برای تولید بیشتر در جهت رفع کمبودها و کمک به جبهه و پشت جبهه بکار می گیرند. وظیفه مسئولین نیز رسیدگی به کمبودها و

تولید بخواهد و دوباره با بد دست گدایی به طرف آمریکا دراز کنیم. کارگر دیگری می گوید: "الان گازی که به کارخانه می آید، به نسبت هر سال نصف شده است. در نتیجه تولید کارخانه کم شده و سه هزار کیسول گاز خالی مانده است. کارگران بین خود قرار گذاشته اند تا در موقع پر کردن کیسولها، حتی یک ذره گاز به بیرون نشت نکنند. کیسولهای مصرف شده و خالی را که به کارخانه می آورند، ته مانده آنها را دیگر خالی نمی کنیم. ما قبل از برای پر کردن کیسولها، ابتدا آنها را کاتلا خالی می کردیم، اما الان از گازی که ممکن است در کیسولهای مصرف شده باقی باشد، استفاده نمی کنیم، هر چند که این کار زحمت اضافی برای کارگران به حساب می آید. نظر کارگران برادر با ره جنگ عراق بر ایران می پرسیم، کارگری میگوید: "ما باید جلوی عراقی ها با بستیم و آنها را شکست بدهیم. این جنگ کار آمریکا است. دیگری میگوید: "فدا انقلاب داخلی هم در این جنگ دست دارد. همانهایی که مردم را تا راضی می کنند جنس را احتکار می کنند و گران می فروشند و سعی می کنند مردم را نسبت به انقلاب بدبین کنند." کارگران اقداماتی را نیز برای کمک به جبهه جنگ انجام داده اند. آنها فیش بانکی به مبلغ ۵۴۰۸۵ ریال را، که حقوق یکروز آنهاست و برای کمک به جنگ برداشته اند، نشان دادند. نماینده کارگران درباره آموزش نظامی کارگران گفت: "تا به حال چندین بار به کمیته وسپاه مراجعه کرده ایم باید تمام کارگران را آموزش نظامی داد و بهترین کار را بست که در کارخانه ها این آموزش انجام شود، زیرا ما از صبح تا ساعت ۴/۵ عصر در کارخانه هستیم و کارگران امکانی برای آموزش نظامی در مساجد و یا جاهای دیگر ندارند، ما جای کافی برای این کار در کارخانه داریم."

در ارتباط با کمبود مواد سوختی در روزهای جنگ ما دلانه با رژیم متجاوز و نظام حسین، به سراغ کارخانه کیسول پرکنی "سوپر گاز" رفتیم. کارگران کارخانه از نیازهای کشور تا مین می شود در این محل کیسولهای کوچک و بزرگ برای مصرف مراکز تولیدی و خانه ها پرمی شوند. این کارخانه خصوصی است و در حال حاضر ۳۷ کارگر در آن کار می کنند و قانون کار نیز در آن کم و بیش رعایت می شود. یکی از کارگران در مورد میزان دستمزد چنین گفت: "من هفت سال است کار می کنم و حقوق ثابت من ۲۷۵۰ تومان است، که با دریافت حق اولاد و مسکن و خوراک در حدود ۳۳۰۰ تومان می شود." کارگر دیگری هم، که دارای ۱۴ سال سابقه کار در اینجا است، جمعا ۴۲۰۰ تومان حقوق میگیرد. نا بینه حسن عبیدی، نا بینه گرفته شده و مذاکرات طمع، در حال حاضر به شکست انجامیده است. امید است که با تامین حق خود مختاری یا خودگردانی خلقها، زندگی زحمتکاران و مردم این منطقه از وضع نابسامان خود هر چه زودتر نجات یابد.

تولید بخواهد و دوباره با بد دست گدایی به طرف آمریکا دراز کنیم. کارگر دیگری می گوید: "الان گازی که به کارخانه می آید، به نسبت هر سال نصف شده است. در نتیجه تولید کارخانه کم شده و سه هزار کیسول گاز خالی مانده است. کارگران بین خود قرار گذاشته اند تا در موقع پر کردن کیسولها، حتی یک ذره گاز به بیرون نشت نکنند. کیسولهای مصرف شده و خالی را که به کارخانه می آورند، ته مانده آنها را دیگر خالی نمی کنیم. ما قبل از برای پر کردن کیسولها، ابتدا آنها را کاتلا خالی می کردیم، اما الان از گازی که ممکن است در کیسولهای مصرف شده باقی باشد، استفاده نمی کنیم، هر چند که این کار زحمت اضافی برای کارگران به حساب می آید. نظر کارگران برادر با ره جنگ عراق بر ایران می پرسیم، کارگری میگوید: "ما باید جلوی عراقی ها با بستیم و آنها را شکست بدهیم. این جنگ کار آمریکا است. دیگری میگوید: "فدا انقلاب داخلی هم در این جنگ دست دارد. همانهایی که مردم را تا راضی می کنند جنس را احتکار می کنند و گران می فروشند و سعی می کنند مردم را نسبت به انقلاب بدبین کنند." کارگران اقداماتی را نیز برای کمک به جبهه جنگ انجام داده اند. آنها فیش بانکی به مبلغ ۵۴۰۸۵ ریال را، که حقوق یکروز آنهاست و برای کمک به جنگ برداشته اند، نشان دادند. نماینده کارگران درباره آموزش نظامی کارگران گفت: "تا به حال چندین بار به کمیته وسپاه مراجعه کرده ایم باید تمام کارگران را آموزش نظامی داد و بهترین کار را بست که در کارخانه ها این آموزش انجام شود، زیرا ما از صبح تا ساعت ۴/۵ عصر در کارخانه هستیم و کارگران امکانی برای آموزش نظامی در مساجد و یا جاهای دیگر ندارند، ما جای کافی برای این کار در کارخانه داریم."

رفع آنهاست. همچنانکه از صحبت کارگران برمی آید و با دیده آنها توجه شود، کوتاه کردن دست ضد انقلاب در کارها و جلوگیری از کارشکنی آن، ایجاد شورای کارگری برای تولید بیشتر در کارخانه ها و آموزش نظامی کارگران در کارخانه ها می توانند کمک موثر و قاطعی برای مبارزه با کمبودها در مقابل رژیم متجاوز و گردن ام حسین باشد.

دهقانی از دشتک: «پشت صدام امریکاست»

تاخانهها بالا رود. اهالی روستا روحیه‌ای قوی دارند و مصمند صدام جاش را سر جای نشاندند.

دهقان جوانی می‌گفت: "من شاید ۱۰ بار یا بیشتر به زاندامری مراجعه کرده‌ام، تابه جبهه بروم و از میهن دفاع کنم، ولی چون متولد ۴۲ هستم، قبول نمیکنند. صدام کافریه خاک میهن عزیزما یورش آورد موافقین طور که معلوم است، پشت صدام امریکاست. روز عید قربان مردم تمام گوسفندان قربانی خود را فرستادند جبهه. در حدود دوتا بنز ده تنی نان "بوخه" جمع کردیم و همینطور روغن خشک (روغن گوسفند)، برنج و عسل (که ما خودمان کندو داریم و زنبورداری می‌کنیم) جمع شد و خلاصه هر کسی هر چیزی می‌توانست کمک کرده همه را فرستادیم جبهه.

"دشتک" روستائی است زیبا در انتهای منطقه رامجرد، که در ۸۰ کیلومتری شهر مرودشت و بر فراز کوهها جای گرفته. جاده‌های خاکی از لابلای کوهها روبه بالا از کنار دره می‌گذرد و به دره‌های سبز و گسترده، که آبشارهایی بلند آن را زینت می‌بخشد، ختم می‌شود. از دره که می‌گذریم به خانه‌های خشت و گلی، که با سقف‌های چوبی پوشانده‌اند و گاهی دواشکوبه هستند، بر می‌خوریم. عطر باغ‌های زردآلو و شفتالو و سبب درختی، نسیم دل‌انگیزی در محوطه می‌گستراند.



عمومی، روستائی، ده طبر (بخش جاجرود) یا یک خانواده ۶ نفری در یک اتاق زندگی می‌کند. چندی پیش عمومی دست به ساختمان یک اتاق دیگر زد. وی بعلت فقر و نداشتن پیرانداز توانست حتی یکروز هم یک استاد بنا استخدام کند. خودش دیوار اتاق جدید را با خشت بالا آورده، که بالای دیوار پهن و بی آن که عرض تر شده و پنجره‌ها هم کج بالا آمده است. طبیعی است چنین منزلی در برابر بلایای طبیعی، آتیم در منطقه زلزله‌خیز خراسان مقاوم نیست.

اتحادیه دهقانان محمودآباد:

هم در جبهه و هم در پشت جبهه با تولید بیشتر دشمن انقلاب را سر کوب می‌کنیم

اعضاء اتحادیه دهقانان محمودآباد ملی‌نامه‌ای به دفتر ریاست جمهوری، آمادگی خود را برای چابازی در راه انقلاب و تولید هر چه بیشتر برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران و تحکیم انقلاب در پشت جبهه اعلام کرده‌اند. دهقانان عضو اتحادیه دهقانان محمودآباد در نامه خود، که رونوشت آن به دفتر نامه مردم رسیده است، می‌نویسند:

دفتر ریاست جمهوری:

بسمه تعالی

اکنون که به فرمان شیطان بزرگ امریکا مزدوران صدام خان این توکر گوش به فرمان امریالیسم جهانخوار مبین عزیز ما را مورد هجوم وحشیانه قرار داده‌اند، ما دهقانان و زحمتکشان روستای محمودآباد بخوبی می‌دانیم که هدف این جانان خونخوار چیزی نیست جز نابودی انقلاب شکوهمندان و نمرات ارزنده‌ای که برای دهقانان و زحمتکشان به بار آورده است.

آری، امریالیسم وحشی امریکا و عوامل داخلی، یعنی سرمایه‌داران بزرگ و وابسته، فئودالها، زمینداران بزرگ و خان‌ها نمی‌توانند ببینند که ما دهقانان و زحمتکشان تحت رهبری امامان خمینی کبیر از بند اسارت آنها رها شویم. ولی امریالیسم امریکا و پش‌های کافر و فئودال‌های ظالم و همه سرسپردگان امریالیسم بدانند که ما دهقانان ارزش انقلابمان و رهبر عالیقدرش و جمهوری اسلامی‌مان را می‌دانیم و با تمام توان خود از آنان دفاع می‌کنیم. ما دهقانان به وظایف خود آگاهیم و همانطور که حاضریم در خط اول جبهه جان خود را نثار میهنمان کنیم، با تمام قدرت و تلاش شبانه‌روزی خود هر چه بیشتر به امر کشاورزی و افزایش محصول می‌پردازیم، تا بتوانیم برای مردم رزمنده و دلیرمان در این شرایط جنگی محصول کافی تهیه کنیم.

مرگ بر شیطان بزرگ امریکا و صدام متجاوز
پیروزی باد انقلاب اسلامی مردم ایران
پر توان باد تلاش دهقانان در میارزه با فئودالها، زمینداران بزرگ و امریالیسم
رونوشت به مطبوعات

با اجرای قانون اصلاحات ارضی، به ستمگری مالکان بزرگ قریه‌داران پایان دهید

در اثر آگاهی و تشکل دهقانان و مراجعه آنها به استناداری، این نقشه خنثی شد. به حکم استناداری و دادگاه انقلاب اسلامی سراب، از بزرگ مالکان تمهید گرفته شد که حق تقسیم زمین و فروختن و اجحافات دیگر را ندارند. از طرف اداره جنگلیانی در مورد تعرض به مراتع و جلوگیری از چرای دامهای دهقانان بی‌زمین، اقدام شده است. مقامات مسئول گفتند که در مورد کشاورزان بی‌زمین، هنگام مراجعه هیئت ۷ نفری، اصلاحات ارضی احقاق حق خواهد شد. دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین می‌خواهند که نمایندگان واقعی آنها در هیئت شرکت داشته باشند و قانون مصوبه شوروی انقلاب، که به تأیید مجدد امام خمینی و تصویب فقها، آیات عظام: منتظری و بهشتی و مشکینی رسیده و دقیقاً و سریعاً اجرا شود. این کار به تولید بیشتر و علاقمند شدن دهقانان به کار و شرکت موثر در جهاد کشاورزی، که امام خمینی اهمیت آن را اخیراً خاطر نشان ساخته‌اند، خواهد انجامید.

قریه داران با ۵۰۰ خانوار دره ۳ کیلومتری سراب واقع است. بیش از ۵۰ خانوار را در این روستا دهقانان بی‌زمین تشکیل می‌دهند، که در ایام انقلاب، به همراه سایر دهقانان زحمتکش، در راهیابی‌های ضد رژیم شاه شرکت داشتند. در این قریه کشاورزان با کمی آب زراعتی نیز روبرو هستند. منابع آبیاری رودخانه‌ای است که حداکثر تا آخر بهار آب دارد و ۳ الی ۴ حلقه چاه نیم عمیق. محصولات صیفی در آنهمین بی‌آبی خیلی کم کاشته می‌شود. مراجع زیادی در اثر سیاست ضددهقانی رژیم گذشته بصورت بایر درآمده است.

دهقانان، که یکی از تکیه‌گاههای مهم انقلاب هستند، بحق از دولت انقلاب انتظار دارند که به سالها غارتگری و ستمگری مالکان بزرگ پایان دهد و دست مالکان را از روستاها کوتاه کند و قانون اصلاحات ارضی را به اجرا گذارد. آنها می‌خواهند که در کنار این اقدامات مهم، کلبه و وسائل تولیدی و امکانات کشت و کار کشاورزی در اختیار آنها گذاشته شود، تا بتوانند با تولید بیشتر "تحریم اقتصادی" شیطان بزرگ را خنثی کنند.

دهقانان بی‌زمین بعلت نداشتن زمین و کشت اراضی بصورت نصف کاری، نمی‌توانستند انگیزه‌گامی و رغبت لازم جهت کشت و کار داشته باشند. در این میان عمال خان‌ها مانند "حاج عزیز"، که وابسته به رژیم سابق و مالکان است، (هم‌اکنون به جرم طرفداری از رژیم سابق دستگیر و در تبریز زندانی شده است) و رشوه‌خواران و افرادی نظیر رئیس اصلاحات ارضی سابق سراب، دهقانان را اذیت و تحریک می‌کردند.

"حاج عزیز" و ایادیش، روستاهای بیچند و مہین و تازه‌کنند، واقع در جنوب سراب را به اسم "باغات مستثنیات"، در دست خود نگه داشته بودند و غیرانسانی‌ترین اعمال را انجام می‌دادند. "حاج عزیز" در زمان انقلاب، علناً از رژیم طاغوت دفاع می‌کرد و مبلغ ستم‌کاران بود. وی قبلاً در اثر پشتیبانی مالکان بزرگ کدخدای این روستا بوده است. عمال اریاب می‌خواستند دهقانان را وادار به کوچ کنند، اما

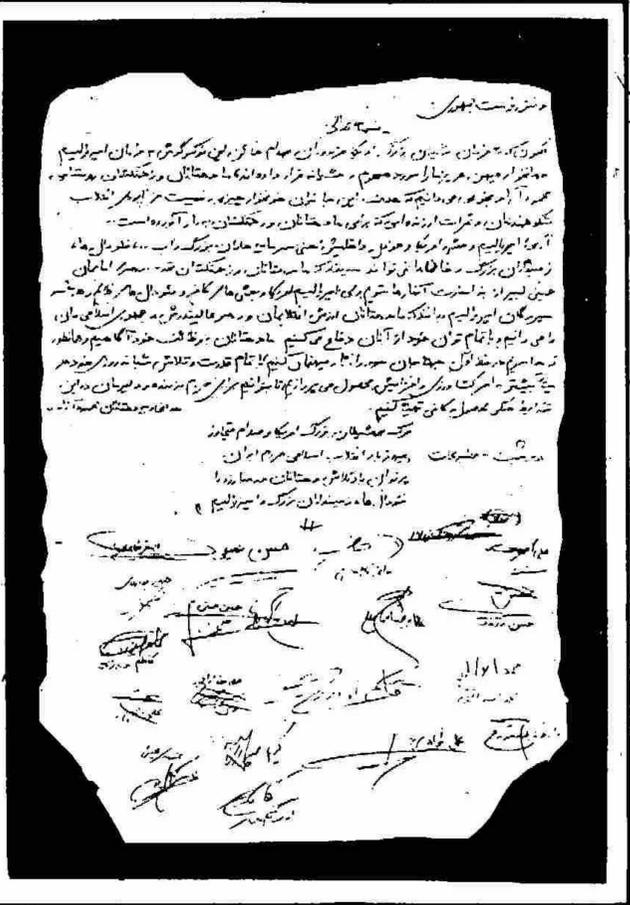
در حالیکه دولت تحت عناوین گوناگون از انجام وظایف خود در قبال آنها سر باز می‌زند، چگونه نیروهای جنبش ملی لبنان با از خود گذشتگی زیاد در راه بهبود زندگی و بهداشت اهالی، کوشش می‌کنند. درست بهمین دلیل، یعنی افزایش یا به‌هالی توده‌ای جنبش ملی لبنان (که از اتحاد حزب کمونیست لبنان، حزب سوسیالیست پیشرو (به رهبری کمال جنبلاط) تشکیلات کار کمونیستی، حزب بعث، حزب ملی سوریه و گروه ناصریستها تشکیل شده است) اسرائیل فشارش را هر روز بر مردم این نواحی و نیروهای مترقی و بی‌شروعی آن افزایش می‌دهد. این افزایش تهاجم اسرائیل در منطقه، گرچه باعث پخش نیروهای "جنبش ملی لبنان" و وسیع‌تر کردن مناطق جنگی می‌شود، ولی در عین حال باعث افزایش و تحکیم رشته‌های دوستی و همبستگی "جنبش ملی لبنان" با اهالی مناطق جنگ زده می‌شود و احتمال پیروزی بر توطئه‌های امپریالیسم امریکا و صهیونیسم مزدور آنرا بیش از پیش افزایش می‌دهد.

اسرائیل

پیه از صفحه ۶
تحکیم پایه‌های مردمی «جنبش ملی لبنان»

در این زمینه نیروهای دمکراتیک لبنانی و فلسطینی به پیروزی‌هایی نیز نائل شده‌اند و آن اینکه، از طریق نیروی بین‌المللی سازمان ملل متحد با بحال مانع اشغال جنوب رودخانه لیطانی شده‌اند و با کنترل منطقه "تیر" تاسیساتی از قبیل بیمارستان جنگی وزیرزمینی ۲۰ تختخوابی، که توسط امداد توده‌ای - لبنانی برپا شده است، ایجاد کرده‌اند. مجموعه این کارهای توده‌ای پیوندهای این نیروها را با اهالی تحکیم کرده است. مردم بوضوح می‌بینند که،

- برای
- مقابله با
- تجاوز
- نظامی
- امریکا،
- تمام خلق
- بایند
- از نظر
- نظامی
- مجهز شود



نامه مردم: نامه پرشور دهقانان عضو اتحادیه دهقانان محمودآباد باز دیگر آمادگی توده‌های دهقانی را برای دفاع از انقلاب شکوهمند ما نشان می‌دهد. دهقانان، همانگونه که با شرکت وسیع خود در تمام مراحل جنبش و انقلاب ما، در پیروزی‌های انقلاب سیم بوده‌اند، هم‌اکنون نیز با آمادگی کامل، می‌بخاطر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، چه در سنگر و چه در کشتزار، می‌کوشند.

اسرائیل با کمکهای همه جانبه آمریکا، جنوب لبنان را به آتش و ویرانی کشیده است

جنوب لبنان در آتش جنگ می سوزد. هر روز بمب افکن های ارتش اشغالگر و متجاوز اسرائیل رزمندگان فلسطینی و مردم بی دفاع جنوب لبنان را بمبباران می کنند و جناب آقایان می آورند. امیرالایم آمریکا، بزرگترین یا ورویشتهای رزمی جنایتکار اسرائیل با تجهیز هر چه بیشتر و رادار و دستهای جنایتکار صهیونیستها به انواع سلاحهای مغرب و مرگ زا، نه تنها این جنایات و آیین آتش افروزیها را تا بیحدی کند، بلکه تاکنون چهره خود را به طراح این جنایتها نیز به نشان داده است.

اکنون مردم جنوب لبنان، در کنار نیروهای دمکراتیک لبنانی و فلسطینی به مقابله با یورشهای ارتش اشغالگر اسرائیل و دست نشاندهگان آن نیروهای فاشیست دست راستی لبنان به رهبری سرگردیانی، محدودیت می روند و در نیروی نابرابر، برای حفظ استقلال خود شرکت می جویند.

برای آگاهی از شرایط اوضاع در این ناحیه جنگ زده لبنان، ما استفاده از متن مصاحبه روزنامه نگار کمونیست فرانسوی روزه ماربا با علی العابد دبیر اول فدراسیون حزب کمونیست لبنان و عضو شورای سیاسی جنبش ملی لبنان شرح کوتاهی در این مورد به نظر خوانندگان گرامی نامه مردم می رسد.

خودداری دولت از سرمایه گذاری در جنوب لبنان

جنوب لبنان یکی از بیخ منطقه ای است که کشور لبنان را تشکیل می دهد و

دازای یک میلیون جمعیت است. اهالی این منطقه اغلب با کتا و رزی و تجارت و نیز با ماهیگیری امرار معاش می کنند. در این منطقه نه تنها صنعت وجود ندارد، بلکه کشاورزی نیز در سطح بسیار ابتدائی انجام میگیرد. بیش از ۷۰ درصد از زمینهای منطقه آبیاری میشوند و فقط از ۱۰ درصد امکانات رودخانه ای استفاده می شود. با زدن توریستها از بناهای تاریخی این منطقه بخش کوچکی از آثار مذهبی و تاریخی این منطقه کوردهای نیست و زده زبانی از جوانان آنجا برای یافتن کار به خارج از لبنان و به ویژه به نوار غزه می روند. با در نظر گرفتن مجموعه این مطالب متوجه میشویم که جنوب لبنان منطقه ای است عقب افتاده با انبوهی از بیکاران دولت لبنان نیز برای رفع این مشکلات مبتلا به مردم این منطقه هیچ اقدامی نمی کند. دولت حتی برای ساختن سد در روی رودخانه لیتانی که از ۱۹۶۳ سال قبل (۱) قولش را داده است، هیچ اقدامی نکرده است. گروههای دمکراتیک در لبنان با راهاد دولت لبنان را به خاطر عدم توجه به رفاه مردم فقیر و جنوب لبنان استیضاح کرده اند. ولی هر یک از دولت لبنان به دلیل اینکه همکاری است با سیاست عمرانی که قرار است ساخته شود، به دست اسرائیل بهیفتد، از هر نوع سرما به گذاری در این منطقه خودداری کرده است.

حضور نظامی اسرائیل در منطقه

اسرائیل، که در سال ۱۹۶۷ دارای مرزی برابر با ۹۰ کیلومتر با لبنان بود،

پس از جنگ ۱۹۶۷ آن را به ۱۳۰ کیلومتر رسانید. به عبارت دیگر، بخشی از مرز سوریه و لبنان در جنوب شرقی این کشور تحت کنترل اسرائیل درآمد. تعداد وراثت اسرائیل از سال ۱۹۲۸ شروع شد. در این سال اسرائیل بهیست و پنج هزار هکتار از سرزمین لبنان، بویژه پنج آبادی را در جنوب به اشغال خود درآورد، یعنی اهالی این قسمت از لبنان نه تنها از آن سال به بعد تحت فشارهای دائمی ارتش اسرائیل زندگی می کردند، بلکه بعزت سیاست ضد دمکراتیک دولت لبنان، که تشکیل هر نوع گروه مقاومت را قند کرده بود، این نوع گروهها نتوانستند در صحنه بدرشیرایف دموکراتیک درآورد. امور منطقه سهیم باشند. اکثر گروههای مقاومت منطقه در این سالها فعالیت می کردند، همگی در شرایط مخفی به کار ادامه می دادند.

میکند ۲۰۰۰ نفر که در جنوب زندگی اردوگاه میباشند. دو اردوگاه در سفیدیه و یکی در نجاتیه و ۴ اردوگاه دیگر در اطراف منطقه تیر هستند.

از سال ۱۹۶۷، یعنی از سال جنگ اعراب و اسرائیل، حملات هوایی اسرائیل به بهانه وجود اردوگاههای فلسطینی افزایش یافته و اسرائیل چندبار جنوب را اشغال کرد. اسرائیل بعداً مجبور به تخلیه منطقه شد.

پس از جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ و بویژه از سال ۱۹۷۶ به بعد و پس از ورود نیروهای سوریه و متفقین او، اسرائیل با دادن کمک های کم و بیش مخفیانه به راست گرایان افراطی مانند باغی معروف سرهنگ حداد که در رأس گروه های مزدور در جنوب لیتانی عمل می کند، در امور داخلی لبنان دخالت کرد. ولسی چون حداد، با وجود کمک های اسرائیل نتوانست بهیچ وجه از اسرائیل و با مقاومت سرسختانه نیروهای دموکراتیک روبرو شود، اسرائیل در امریشتهایی از راست گرایان یک گام بجلونها دو تمام

سرزمین جنوب رود لیتانی را در سال ۱۹۷۸ - بجز منطقه تیرا اشغال کرد. پس از واکنش سازمان ملل متحد و موسوم کردن این تجاوز اسرائیل مجبور شد که بخشی از خاک جنوب را به کنترولش هر روز برایش مشکلات می شد، تخلیه کند و اشغال نوار مرزی را به تروریست های سعدها دو گذارد. این امر به حداد اجازه داد که در زمینی به وسعت ۹۰۰ کیلومتر مربع شامل ۱۰۰ هزار رانبنام لبنان آزاد اعلام کند. در این منطقه اخیراً یک پیش از جنگ ۱۵۰ هزار نفر جمعیت داشت، اکنون فقط ۶۰ هزار نفر زندگی می کنند. باقی اهالی که در حاشیه های دار هستند، با سیاست سعدها در امنیت و تفه عمل کردند و از سیاست سعدها در امنیت و تفه خانه و زندگی شان به ستوه آمده بودند به سوی شمال فرار کردند.

گزارشهای نظامی داخلی لبنان نشان می دهند که چون حداد نمیتواند به تنهایی جنوب لبنان را تحت کنترول مزدوران خود درآورد، و بهیچا کردن شخصی دیگری مانند حداد نیز برای اسرائیل امکان پذیر نیست، اسرائیل دیرینا زود مجبور است خود تمام منطقه را اشغال کند، و به همین جهت از هم اکنون نیروهای رادرنیجه بطور سرسام آوری افزایش داده است.

از سوی دیگر نیروهای دمکراتیک لبنانی و فلسطینی در منطقه تحت کنترول حداد هدف قرار دادند. اینها می کنند. اینک بهیچا شدن این عملیات نیروهای اسرائیلی و مزدوران در جنوب لبنان و از طریق فشار افکار عمومی جهان، اسرائیل را مجبور کند که مناطقی را ترک کند. حداد این عملیات را با این عملیات مانع اشغال مناطقی جدیدی از جنوب لبنان توسط اسرائیل و مزدوران در منطقه شوند.

بقیه در صفحه ۵

مائونیستهای جای...

بقیه از صفحه ۴

و اکنون در عمل...

بگذار «کوری» فوت بعمل میرسد. اکنون که محل «کوری» راه را برای «یکاره» هوار کرده است، باید دست یکر شد. چگونه؟ مائونیستهای «یکاره» هر نمود می دهند:

فاکر ما بگویم که این جنگ، جنگی است میان دو ارتجاع و قتل بهادان املاییهای پرطمراخ ملیه آن آکتا کتیم، واضح است که در عمل به پایسیسم افتاده و بنومی دیگر در خدمت بورژوازی خود قرار گرفته ایم. (ضمیمه ۴ شماره ۷۵ - ص ۵) بنابراین چون خود توده ها در این جنگ شرکت میکنند برای آموزش به آنها در کنارشان خواهیم بود. (هماچلی ص ۴) تا چه زمانی «یکاره» در کنار توده ها خواهند بود؟

ما بقیین داریم که تا آنجا که ممکن است در شهر میمانند، البته نه تا آخرین نفر و درص، بلکه تا آنجا که منافع و نیاز خلق جنبش کمونیستهای جابج می کنند. (تیرنامه جنگ یکاره - شماره ۴ - ص ۵) یعنی «یکاره» سرزنگاه که وظیفه شان را انجام دادند فرار می کنند از کورچه کانی؟ از کور: همه کانی که در آبادان هستند منتظر حمله هستند و مرگ بسیار مای شده است. روحه خلی از مردانی که اینجا هستند کاملاً انتلایی هستند. (هماچلی) اما قبل از فرار وظیفه «یکاره» چیست؟ «یکاره» می نویسند:

سیاست تحریم شمال و اثنای اهداف هر طرفی درگیر برای هر دو تاریا و زحمتکاران هر دو کشور (شماره ۷۵ - ص ۵) الفنا چرا؟ برای تیرشد و سازماندهی جنبش (هماچلی) برای اینکه لازم است ۱- بیبا بردباری و با در نظر گرفتن مجموعه شرایط دست به تبلیغ زده و به سازماندهی توده ها حول مقاومت در مقابل نواب جنگ از قبیل ازماء به سرزازی گران خواربار، قتل مواه، مبارزه، گرسنگی و ارتقاء آن در سطح سیاسی بپردازند. (ضمیمه ۴ - ص ۵)

۲- درقا باید وسیعترین تبلیغات را علیه جنگ ارتجاعی ایران عراق و ادامه جنگ از سوی هر دو رژیم و هوارنیرها و بهر برداری که رژیم جمهوری اسلامی از این جنگ می نماید، براه اندازند. (تیرنامه شماره ۹۷)

۳- کمک به توده های خلق که در اثر جنگ ارتجاعی کونی دچار مصائب شدید شده اند ضروری است... بدون شک این اقدام انقلابی حمایت و امداد در خدمت توضیح و تبلیغ سیاسی مبنی بر اثنای اهداف ارتجاعی جنگ کونی چه از نظر هیئت حاکمه ایران و چه رژیم ضد خلقی عراق خواهد بود. (هماچلی)

۴- «کارگران، زحمتکاران و توده های خلق رژیم جمهوری اسلامی، اکنون افرادی از شما را که تا سال ۵۶ خدمت سربازی را انجام داده اند، بار دیگر به بیانه دفاع از میهن» در جنگ با عراق به خدمت و دفاع از منافع سرمایه داران فراخوانده است. علاوه بر آن رژیم از کارگران نیز دعوت کرده است که در جنگ شرکت کنند. کارگران و زحمتکاران ما می پرسند: چرا باید در این جنگ شرکت کنیم؟ (تیرنامه مورخ ۵۹۷۸)

۵- در ذکر توضیحی و اثنای در بیان توده ها راجع به عدم شرکت آنها در این جنگ تجاوز کارانه و ارتجاعی (تیرنامه شماره ۹۸)

مائونیستهای «یکاره» یا تخصصی ویژه کارکنان جنگ روانی، مطالب بالا، بویژه اعلامیه و تراکتوسی خود را که بعد از آغاز جنگ تعداد آنها صدها برابر شده، چنان ارائه داده اند که نظر آن خطاب به هر دو رژیم است. اما از آنجا که این اعلامیه ها در میان مردم ما پخش میشوند، عمل نتیجه آن تبلیغات وسیع علیه جمهوری اسلامی ایران است، که توده ها برای دفاع از آن ناخشنود میگردند. باین ترتیب حلقه اول سیاست «یکاره» چنانکه از رهنمودهای ید شده پرورشی دیداست، جلوگیری از شرکت توده ها در جنگ است، تا هر چه بیشتر به رژیم جنایتکار عراق و از این طریق به امیرالایم آمریکا در رسیدن به اهدافش، یعنی تخریب خوزستان و تشکیل فایران آزان کمک شود. اما این حلقه، در واقع تدارک برای انجام

حلقه یمنی، یعنی سرگونی جمهوری اسلامی ایران است.

«یکاره» می نویسد:

جنگ اخیر تضادهای طبقاتی در داخل میهن ما را تشدید کرده، تناقضات هیئت حاکمه را بیش از پیش حاد نموده و مبارزه طبقاتی را گسترش خواهد داد. (شماره ۷۵ - ص ۴) بنابراین: «کمونیستها... به تاکتیکهای مناسب برای رشد و سازماندهی جنبش بپردازند و این جنگ را تبدیل به جنگ انقلابی علیه بورژوازی حاکم در درون کشور بنمایند» (هماچلی) از آنجا که یمن، این «کوری» تنها در ایران قابل اجراء است - البته در حد گروهک «یکاره» - گروهک ضد انقلابی «یکاره» از مردم میخواهد: «تا کسب آمادگی و تدارک سیاسی نظامی برای تبدیل جنگ ارتجاعی میان دو رژیم ایران و عراق به جنگ داخلی» (تیرنامه شماره ۹۸) را دستور روز قرار دهند زیرا که: «کمونیستها (یعنی مائونیستها) میتوانند وظیفه دارند که در شرایط «موقوت انقلابی» دست به سلاح بزنند و علیه آن تجاوز یا آن کودتا کنند دست به قیام زنند. ولی این قیام مفهوم دیگری ندارد جز کوشش برای کسب قدرت سیاسی و نه شمشیر زدن در خدمت رژیم حاکم» (شماره ۷۵ - ص ۴)

و اگر این وظیفه انجام نشود: «اگر شرایط برای آنکه شما اسلحه را بدست گرفته و با استفاده از آمادگی توده ها در مقابل هر دو رژیم بایستید، آماده است، در آن صورت حتی لحظه ای درنگ در حکم خیانت و افتادن به شلابل سازش است» (هماچلی)

«سازش» فرمان آخر اینست: «سازش باید جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی تبدیل نمود و برای آمادگی در مقابل وضعیتی که بهر ترتیب، ما را در مقابل یک جنگ داخلی قرار میدهد، میبایست در جهت تدارک سیاسی - نظامی و سازماندهی صف مستقل و گسترش جنبش انقلابی توده ها تلاش نمایند» (تیرنامه شماره ۹۷)

و برای اینکه توصیه میشود: «سربازانی که در جبهه های دوطرفی کشته میشوند... تفک های خود را... بسوی سرمایه داران کشورهای خود بگیرند...» (شماره ۷۵) و: «شما را اینست که کارگران ایران و عراق متحد شوید و سرمایه داران خود را براندازید» (هماچلی)

توده ها مهم نیستند!

البته «یکاره» درستی می داند: «خودداری از شرکت در آن (جنگ) و چگونگی تبدیل آن به جنگ علیه ارتجاع امری ساده نیست» (شماره ۷۵) زیرا که: «دین توده های زحمتکار هستند که در اثر تجاوز سرمایه داران عراقی به چان و مال آنها مجبور به مقاومت خود بخود در مقابل این تجاوز هستند، ولی مهم این است که ما چه تحلیلی از ماهیت جنگ و سیاستی که در تدارک خود به جنگ انجام میدهند است، داریم» (هماچلی - ص ۴) (اینجا از دست «یکاره» درنگ و تجاوز رژیم صدام را لو داده است!)

ولی از آنجا که توده ها مهم نیستند و این «تعلیل» آبیان است که مهم است! و بهیچ خاطر است که دفاع زحمتکاران با جنگ و دلبازان خانه و کشتایشان در نزد «یکاره» دستی توده ها (تیرنامه شماره ۹۷) برای انجام وظیفه خود توصیه می کنند که:

«البته در تبلیغ ضد جنگ نباید «فاشی» بود توده ها در حال حاضر در اثر خویشاوندی خود نسبت به رژیم ارتجاعی حاکم و متاثر از سموات شوربستی بورژوازی ایران، دچار شوربسیسم و دفاع طلبی بوده و در برابر فیلتان ضد جنگ سرسختی نشان خواهند داد، و چهیسا که گاه میلتن ضد جنگ را عامل فرار، «فوکر آمریکای» و غیره و غیره بنامند» (ضمیمه ۴، شماره ۷۵ - ص ۵)

«یکاره» های ضد انقلابی که میبایند باین سیاست خائانه در میان خلق متروزی خواهند شد، به هواداران خود توصیه میکنند: «فادریستی استدلال کسانی را که بدین توجه به اصول انقلاب، اعلام می کنند که ما متروزی خواهیم شد بر ملا سازد» (شماره ۷۵ - ص ۴) «یکاره» های ضد انقلابی بهیچ خاطر است که در اعلامیه های مکرر میگویند: زیر پرده الفاظ انقلابی، هواداران صادق خود را همراه تر کنند: «انجام وظایف و انجام وظایف، بطور تاکتیک دشوار است و در ابتدا حکم نشد.

کردن خلاف جهت آب را دارد، اما اگر به استراتژی خود ایمان داشته باشیم و اگر در تعیین این استراتژی از موضع منافع طبقاتی طبقه کارگر و توده ها حرکت نماییم (و نه از موضع وضع فعلی آگاهی و توجه آنها) آنگاه در خواهیم یافت که گاه باید بقول رفیق استالین، از یک «کامیابی تاکتیک» در جهت بدست آوردن یک «کامیابی استراتژیک» چشم پوشی نمود و این بخاطر آنست که این «کامیابی استراتژیک» «مدفون نگردد» (تیرنامه شماره ۹۷)

آری مائونیستهای «یکاره» بیچوجه حاضر نیستند از «کامیابی استراتژیک» امیرالایم آمریکا، که همانا درهم شکستن انقلاب جمهوری اسلامی ایران است، دست بردارند.

پرده آخر!

پرده آخر همیشه کوریه مائونیستهای «یکاره» برای جنگیدن سنگر آمریکای زیر پرده الفاظ انقلابی، وقتی به نهایت درمی آید که وقتی از خاک ایران اشغال میشود. البته «یکاره» در ابتدا، از آنجا که ازین رژیم عراق کاملاً آگاهی دارد و معتقد است که این رژیم «خواهان جنگ نیست» و لذا خاک ایران را اشغال نخواهد کرد! (۱) می نویسد:

«اینکه یک منطقه به اشغال واهی درآید و توده ها در آن منطقه آمادگی آنرا داشته باشند که به جنگ مقاومت ملی علیه اشغالگر دست بزنند، حائس است که در چشم انداز جنگ اخیر ایران و عراق نمی گنجد با این وجود، چنانچه بوجود آید، در این صورت ما با یک جنگ جدید یا ضلعت جدید، و اهداف جدید روبرو خواهیم بود که یا سرشت ارتجاعی جنگ حاضر و اهداف ارتجاعی طرفین آن منایرت ماهوی دارد» (شماره ۷۵ - ص ۵)

«یکاره» در روز انتشار این مطالب (۱۴ مهر ۵۹) درحالیکه پیشنهادی از خاک ایران در اشغال متجاوزین صدامی بود، درجعات بالا خاک در چشم توده ها میباشند، تا امیرالایم آمریکا به هدف خود برسد.

«یکاره» در همان وضع ادامه میدهد: «اگر یک اشغال کامل کشته می شود (یعنی که به نظر ما امکان ندارد) یعنی رژیم عراق میراز آتش سرد طر مذاکرات یا در آن ضعف رژیم جمهوری اسلامی، منتهای آن اشغال کرد و خود در آنجا اصل حاکمیت کند و توده ها در آنجا بچکنند، ما به سازماندهی این مبارزه و ارتقاء سطح آن خواهیم پرداخت، چرا که در آن حالت، جنگ ارتجاعی در تدارک خود، شرایط جدیدی را پدید آورده و جنگ جدیدی را برانگیخته است، جنگی علیه دولت اشغالگر» (ضمیمه ۴ شماره ۷۵ - ص ۴)

خوب در فرمولهای بالا دقت کنید! این فرمول در هر وضعی، غیر از اشغال کامل و اعمال حاکمیت رژیم عراق در منطقه ای از ایران بهیچیکاره ای اجازه فرار کوریه میدهد، در واقع نظریه «یکاره» را باین ترتیب کامل می کند که: «۱- توده های بیچاره جنگ با ارتش عراق، با جمهوری اسلامی ایران بچکنند، ۲- این جنگ را تا اشغال کامل بخشی از ایران ادامه بدهند، ۳- وقتی که آن منطقه اشغال و حاکمیت رژیم عراق برقرار شده، آتوت منتظر شوند، تا مائونیستهای «یکاره» بروند سازماندهی کنند و مبارزه را ارتقاء دهند، تا خاک میهن آزاد شوند» (البته در همین جا ناگفته مانده می شود و ماهیت جمهوری اسلامی ایران، که به نظر «یکاره» های وابسته است، یک شبهه «تفسیر می کنند»)

اکنون خواننده می تواند چهره واقعی «یکاره» را در پس ماسک انقلابیگری ببیند. گروهک آمریکائی - مائونیستی «یکاره» همان شعارها و سیاستهای آمریکا را دنبال می کند، منتها در لباس ملواری چه. این است یکی دیگر از دلایل تاریخی همکاری مائونیستها با امیرالایم آمریکا!

و این سیاست، البته مختص به «یکاره» نیست، تریچه های پوک دیگری مانند وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر، «گروه کمونیستی لبرده»، «گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست»، سازمان وحدت کمونیستی و... هراهمان جدی امیرالایم آمریکا هستند. این طیف انامه میباید و توسط گروهکهای «رزمندگان»، «ده کارگر»، «توفان» و... زیر همصل کوریه دفاع در صف مستقل از توده ها، افتادگی علیه جمهوری اسلامی، و «جریک های اشرف دهقانی» زیر پرچم آناشیم خاص از جناح «چپ» «تجرب» و «عدالت» تحت عنوان «دفاع از میهن، مبارزه با ارتجاع» از جناح راست، جبهه متحد مائونیستها برای کمک به آمریکا را برای رسیدن به هدف سرگونی جمهوری اسلامی ایران تشکیل میدهند.

روحانیت مبارز...

بقیه از صفحه ۱

آنچه که ضدانقلاب یا بیروانی در توطئه اخیر مطرح ساخت و خواستار «برکناری روحانیت از سیاست» گردیده، باز هم امر تازه‌ای نیست. این شمار درست در زمانی که زلزله در پایه‌های رژیم استبدادی - طاقوتی شاه ملعون، افتاده بود و آنرا به سقوط تهدید میکرد، از طرف کرگزاران این رژیم و نیز روحانی‌نمایانی که سالها دور از سیاست می‌زیستند و سر در توبره فسطایای ملوکانه داشتند، مطرح گردیده بود، که با بی‌اعتنائی خلق مواجه گردید و منادیان آنرا «از سیاست‌بندوبه» انداخت.

درواقع «برکناری روحانیت بطور اعم از سیاست» بی‌بوجه مورد نظر امپریالیستها و عمال داخلی آنها نیست. جای آن روحانی‌نمایانی که دیا روی دم افسی امپریالیسم، نمی‌گذارند و خلق را از «برداشتن لقمه‌های بزرگ» برحذر میدارند، همانهایی که امام خمینی «تفر» خود را از آنها اعلام می‌کنند، روی چشم امپریالیسم آمریکاست. غیر، امپریالیستها آن روحانی‌نمایانی را که خواستار سلطنت و نه حکومت شامه بودند و با تشکیل دشواری سلطنتی روی خوش نشان میدادند، همانهایی که آماده برسمیت‌شناختن کودتای ۱۸ تیر بودند، مدنظر ندارند و همانگونه که امام خمینی تاکید کرده‌اند، «با روحانی بدنیست که بدلقه، امپریالیسم آمریکا و بیروان خط برزیسی در داخل کشور، چه‌بسا از افتادن سکن حکومت پدست این‌گونه روحانی‌نمایان، یا مسرت استقبال کنند. آنچه که دشمنان سوگندخورده انقلاب ایران با آن مخالفتند، روحانیون خوب، یعنی آن روحانیونی هستند که دل دربرشان برای مستضعفین، رنج‌دیدگان و محرومان می‌لبد، کوشش‌های بی‌کاخ‌نشین عزت و شرف می‌نهند و میخواهند حکومت مستضعفین را برقرار کنند. آنچه که دشمنان انقلاب بدان کینه می‌ورزند، روحانیونی هستند که «تمام گرفتاریها را از آمریکا» می‌دانند و برای قطع دست متجاوز، توطئه‌گر و استقلال برآمده این اهریمن بزرگ، خلق را مسلح و بسیج می‌کنند و گوری فراخ برای امپریالیستها تدارک می‌بینند. امپریالیسم آمریکا و نمایندگان طبقات زالوصفت و غارتگر داخلی، از آن روحانیونی تفر دارند که بسود دهقانان زحمتکش و بی‌زمین، دست غصب مالک بزرگ و زمیندار کلان را قطع می‌کنند و «زرع را از آن‌زارع» می‌دانند و بالاخره آن روحانیونی را از سیاست بدور می‌خواهند که سرهای بزرگ چلادان را قطع کردند و اموال بزرگ غارتگران را بسود خلق مصادره نمودند.

آری دشمنان انقلاب تنها با آن روحانیونی مخالفتند که درجهت تعمیق انقلاب بسود زحمتکشان و به زیان غارتگران حرکت می‌کنند. علت این جنجال گسترده را باید در این نکات جستجو کرد. یکی از روشهایی که دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم و بیروان ایرانی سازش با امپریالیسم یا بصارت دیگر لیبرالها، برای تضعیف روحانیت مبارز برهبری امام خمینی بدان توسل می‌جویند، حمله به این روحانیت از موضع «اسلامی» و تلاش برای «اثبات» این امر است که، روحانیت مبارز برهبری امام خمینی از خط شرع و اسلام خارج شده و به دامان «کمونیسم» درغلطیده است! امپریالیسم آمریکا بدین منظور تمامی نیروهای خود و بویژه «نیروهای روحانی» خود را بسیج کرده و آنها را برای ترویج و تبلیغ این فکر به‌مرصه کارزار گسیل کرده است. از قوای متقی‌های مرید امپریالیسم در مصر و مراکش منبریس مسلمان، نبودن امام خمینی و «تکفیر» رهبران انقلاب ایران گرفته تا تلاش مائونیستهای مسلمان‌نما و لیبرالهای سازشکار مکللا و مسم داخلی برای «اثبات» این امر که، پیگیری در مبارزه با امپریالیسم و جهت‌گیری بسود مستضعفان، همانا «کمونیسم» و «القاء ایدئولوژی» توسط «توده‌های» است، همه و همه تلاشهایی است تا روحانیت مبارز را از استواری در مبارزه با امپریالیسم و جهت‌گیری بسود زحمتکشان بازدارند و بایربردگی از تبلیغات دهها ساله امپریالیسم و خاندان پهلوی علیه «کمونیسم» و کمونیستها، و سوء استفاده از سوء تفاهات و پیشداوریهای موجود در میان مسلمانان انقلابی نسبت به «کمونیسم» و کمونیستها، به‌مقصد اصلی خویش، که همانا منحرف کردن مبارزه استقلال طلبانه و خلقی روحانیت مبارز و مردم ایران است، دست یابند. ولی این شگردی است که در دوران رژیم شاه ملعون هم تکرار برده شد، و شکست‌خورده

انقلاب ایران با ...

بقیه از صفحه ۱

و دیگر حقوق حقه آنها، از جمله حق تعیین سرنوشت خود و حق تشکیل يك حکومت مستقل، را هم محترم شمرند، هر روز دسیسه‌های ضد فلسطینی جدیدی را طرح می‌زنند: يك روز ساخت و پاخت «کمپ دیوید» را علم می‌کنند، روز دیگر بیت المقدس را بعنوان «پایتخت ابدی» و تقسیم‌ناپذیر اسرائیل اعلام می‌دارند و اکنون نیز، در پس نقشه «خودمختاری»، می‌کوشند تا حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها را بنهست اسرائیلی‌ها و ایادی مرتجع عرب خود بسپارند. با انفراد و رسوایی فرایند سیاست اسرائیل و امپریالیسم آمریکا در قبال مسئله فلسطین، مرتجعین عرب: سادات، شاه حسین‌ها و ملک‌خالد، هر چه بیشتر به عامل «ویژمه‌ای» در محاسبات امپریالیستی-صیونیستی در خاورمیانه تبدیل می‌گردند. علیرغم جنگ زرگری که امپریالیسم آمریکا میان صیونیستها و خیانتکاران سازش-کار عرب راه انداخته است، چنین می‌نماید که قصد آنست که «کمپ دیوید» در پسته‌بندی جدید ارائه گردد. این پسته بندی، که سوداگران سیاسی فحاشان اروپای غربی امپریالیسم آمریکا، نیز در آن بی‌دینکاری نمودند در بهترین حالت تنها اردن باختری و نوار غزه را شامل خواهد شد. بموجب این نقشه، مناطق نامبرده به دو بخش تقسیم

کشورهای عضو...

بقیه از صفحه ۱

توسعه کارها، که الان ضعیف است. گسترش این ملاقاها حتما باید باشد و از اشتباهات ما در گذشته این بود که اینکار را نکردیم. دولت‌های این کشورها همگی می‌گفتند که چیزی غیر از این انقلاب نمی‌توانست پایگاه امپریالیسم اسرائیل را در منطقه بشکند و آمریکا را در منطقه متزلزل کند. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، در مورد جنگ رژیم صدام علیه ایران، ضمن اشاره باین نکته که «این جنگ، جنگ بسا آمریکاست»، گفت: «کشورهای خلیج فارس و بخصوص یمن جنوبی که ما با هم همکاری‌هایی خواهیم داشت، می‌گفتند که آمریکا دارد بسا ایران می‌جنگد و ایران با آمریکا در حال جنگ است». حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، در مورد نقطه نظرهای جنبش آزادی-بخش فلسطین در مورد جنگ رژیم صدام علیه ایران گفت: «من يك جلسه طولانی با سران نهضت آزادی بخش فلسطین در دفتر آقای یاسر عرفات داشتیم و بطور کلی در مورد موضع‌گیری

خواهد گردید: يك بخش به اسرائیل الحاق می‌یابد و در بخش دیگر، که اردن آن را تصاحب خواهد کرده، يك با اصطلاح فدراسیون اردن - فلسطین، به رهبری شاه حسین تاسیس خواهد گشت.

یکی از واقعیاتی، که امپریالیسم آمریکا و صیونیسم هنوز نمی‌خواهند بپذیرند، آنستکه سازمان آزادی بخش فلسطین، تنها نماینده راستین خلق فلسطین است. قطعنامه ۷ مرداد ۱۳۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز بار دیگر «حق جنبش آزادی-بخش فلسطین، نماینده خلق فلسطین، را مبتنی بر شرکت برابر حقوق در همه کوششها، مشورتها و کنفرانس‌های سازمان ملل متحد ویرامون مسئله فلسطین و اوضاع خاور نزدیک قاید میکند».

با اینهمه، ریگان، رئیس-جمهور منتخب ایالات متحده، با نسیبهای دشنام آمیز و زنگ زده‌ای چون «تروریستی»، بزم خود می‌خواهد واقعیاتی چنین بیان و متبر چون سازمان آزادی بخش فلسطین را نادیده بگیرد! متأسفانه در خود کشور ما نیز، برخی، که بعلت عمق جنبش هیبتگی خلق ایران یا مردم فلسطین، نمی‌توانند نیت لیبرالیستی - سازشکارانه، رموز و حتی ضد فلسطینی خود را آشکارا ابراز دارند، زیر پرچم «فلسطین» و «فلسطین دوستی»، به جو سازی پنهان و عیان علیه سازمان آزادی بخش فلسطین، می‌پردازند. تازه‌ترین نمونه چنین جو سازی را همین چندی پیش در برخی روزنامه‌های لیبرالی

آنها در جنگ صحبت کردم. آنها نظر واقعیشان حمایت از ایران بود. رهبران دست دوم فلسطینی هم، همه صریحا نظر ایران را تایید می‌کنند. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، گفت: «ما به آنها گفتیم که ما جنگ راه، در وضع موجود، خودمان اداره می‌کنیم، اما اگر جنگ به شکل دیگری ادامه پیدا کند، باید آمادگی داشته باشیم که بیشتر بهم نزدیک باشیم. این همکاری در مورد جبهه پایداری فکر می‌کنم زیاده خواهد بود».

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، در پاسخ این پرسش که: «آیا اتحاد شوروی به عراق کمک می‌کند، گفت: «همین جا که بودم، خبری داشتم، و آنچه که رفتم، این خبر تایید شد. اینجا که بودیم بطور رسمی از طرف آقای بنی‌سدر به ما اطلاع داده بودند که شوروی به فرستاده عراق که رفته اسلحه می‌خواست است، گفته است که ما این جنگ شما را جنگ بنفع امپریالیسم می‌دانیم. جریانی که در ایران حاکم است، جریان ضد امپریالیستی است و ما نمی‌توانیم کمک کنیم

دیدیم. بدبختانه، در مواردی محدود عناصر و تشریفات صادق ضد امپریالیستی نیز از افتادند. با این دسیسه شیطنانه آمیز مضمون نمایندند. اما، چنانکه ملاقات اخیر حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با یاسر عرفات در بیروت و برخی دیگر از گرایش‌های مثبت روزهای پیش نشان می‌دهد، همبستگی دو خلق و انقلاب ایران و فلسطین با یکدیگر و مناسبات دوستانه سنتی میان جمهوری اسلامی ایران و سازمان آزادی-بخش فلسطین ریشه‌دارتر و عمیقتر از آنست که گروهی لیبرال جو ساز و برخی برداشت‌های سطحی بتوانند در آنها خلل وارد آورد.

ما روز هیبتگی بین المللی با خلق فلسطین را مقتم می‌شمیریم و بار دیگر هیبتگی بی‌دریغ خود را از یکبار دلیرانه خلق فلسطین برهبری سازمان آزادی-بخش فلسطین ابراز میداریم. ما نیز، چون سازمان آزادی بخش فلسطین، معتقدیم که تا حل همه جانبه مسئله فلسطین با طریق وادار کردن اسرائیل به عقب نشینی از همه مناطق اشغالی فلسطین و عرب، از جمله بیت المقدس و شناسایی حقوق حقه خلق فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت و تشکیل يك دولت مستقل ملی خویش نباید با همه توان و دوش بدوش خلق برادر فلسطین با دسیسه‌های امپریالیستی، صیونیستی و خیانتکارانه علیه خلق قهرمان فلسطین، به یکبار برامان و قاطع ادامه داد.

به جنگی که علیه آن جریان کار می‌کنند. این مسئله در کشورهای لیبی و سوریه هم، به آنها هم اطلاع داده بودند. به ما گفتند که شوروی هم به آنها اطلاع داده. دیگر معرز شد که شوروی الان حاضر نیست به عراق کمک کند. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، افزود: «کشورهایی مثل سوریه، لبنان، فلسطین و لیبی، اینها با آمریکا درگیر بودند و موضعشان این بود که این جنگ تحمیلی آمریکاست و ما با آمریکا در جنگیم. مثلا یمن جنوبی هم که با ما همکاری می‌کند، روییم رفته این نظر را داشت که اصلا آمریکا دارد با ایران می‌جنگد. آنها پیش از آنچه ما اطلاع داشتیم، می‌گفتند. مثلا می‌گفتند که یمن شمالی مقدار زیادی اسلحه شوروی در اختیار داشته که آنها را فروخته به عراق و یا می‌گفتند که فرانسه با اشاره آمریکا، مرتب دارد عراق را تجهیز می‌کند و یا می‌گفتند که عراق قبلا يك میلیارد دلار داده به اردن برای توسعه بندر عقبه و معلوم بود که با نقشه آمریکا بندر عقبه مجهز شده برای پذیرفتن کشتیها در جنگ».

انجام گیرد، توطئه‌ای علیه انقلاب و دستاوردهای آن است، توطئه‌ای علیه منافع زحمتکشان بسود غارتگران است، توطئه‌ای علیه استقلال ایران بسود امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست. در يك کلمه، توطئه‌ای است برای تضعیف و بی-محتوی کردن خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی!

دستگاه تبلیغاتی رژیم شاه ملعون هم هم مخالفت و اعتراض و مبارزه‌ای علیه سلطه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم ختن و چنایتکار پهلوی را «توطئه» و «تحریک کمونیستها» و توده‌ای‌ها نامود می‌کرد و میکوشید با همین حربه آنرا سرکوب کند. ولی این حربه، که در آن دوران هم زنگ زده بود، در برابر خشم خروشان انقلابی خلق شکست و بکار برندگان آن بزباله‌دان تاریخ پرتاب شدند. توطئه علیه روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی، بمنظور تضعیف آن، بهر شکل و بهانه‌ای

باروت گر گرفته خوزستان

آزاد باش و مفرور ای سرزمین ویران! ای پاره پاره جگر ایران!

تیغ برهنه آزادی! صیقل گرفته از خون پستان شیرده! ای تفته! ای صبور! زخم شکفته! شعله شکر فدا! ای سرزمین عشق! ای صورا! ای عبورا! رنگین کمان خون به‌شانه زاگرس! ای سرزمین ویران! گوگرد گر گرفته خوزستان!

می‌بینمت چه مفرور یا کرخه می‌روی پر جوش و پر خروش عاشق تر از همیشه دل می‌دهی به غرش شیران جان بر کفان. چشم و چراغ ایران! ای شعر! ای شعور! ای عشق! ای حماسه خوزستان!

رگ می‌کشایی از جان تا یارور شوی رزمنده و رونده در بستر همیشه کارون میلاد تازمات را پیغامبر شوی می‌کویدت به هلبله دشمن چونان که پتک به ستدان

فرزندهای کوچک تو این یار بیدار و استوار امیدوار یا کوکتل مولوتف با مشت، با مراهی ارایه‌های نکبت مرماه را از هم دریده‌اند اینگونه‌ات به شعله وحدت ممندران حتا ندیده‌اند

منی‌جو شد از یقین تو آزادی در می‌شود به سینتات آواز بزرگی یا خون کارگی می‌بینمت چه روشن پرشور و پرئس ای سرزمین پر خون زبیا - اگرچه غمگین - آزاد مثل کارون

ای سرزمین ما آمیزگاه خون نظامی با جان پاسدار آوردگاه توده‌ای، ای عرصه فنا ای شعله شکفته خوزستان!

یشتاب بیش از این تا یاورت کنند آن سوی تر ببین خونلابه‌های دشمن یا رزمناوها که فرو می‌روند در باتلاق خون

آزاد باش و مفرور ای سرزمین ویران! ای انتقار! باروت گر گرفته خوزستان! ۲۸ مهر ۵۹ - جلال سرفراز

بمناسبت صدوشصتمین سالروز تولد فردریک انگلس - همفکر و هم‌رزم کارل مارکس



تعیین کننده زندگی اقتصادی است که نقش بس موثر و فعال افکار و اندیشه‌ها روشن میشود. انگلس همچنین علیه صورتات مکانیکی درباره مناسبات متقابل زیرینا و روینا مبارزه میکرد.

انگلس به‌عنوان هم‌رزم کارل مارکس، بررسی تاریخی، فرهنگ، اقتصادیات، ادیان و مبارزات خلقی‌ها را در پیش می‌برد. انگلس همچنین علیه صورتات مکانیکی درباره مناسبات متقابل زیرینا و روینا مبارزه میکرد.

انگلس تا آخرین لحظات حیات خود در زندگی سیاسی اروپا شرکت فعال داشت و به‌عنوان هم‌رزم کارل مارکس، پیشوای نابغه جنبش کارگری، بنوشتۀ ثن، «جراغ راهنما» و رهبر سوسیالیست‌های اروپا بود.

انگلس تا آخرین لحظات حیات خود در زندگی سیاسی اروپا شرکت فعال داشت و به‌عنوان هم‌رزم کارل مارکس، پیشوای نابغه جنبش کارگری، بنوشتۀ ثن، «جراغ راهنما» و رهبر سوسیالیست‌های اروپا بود.

آن موضوع خاص هردانش‌مندی شکل‌های عینی حرکت‌ماده‌مغین میشود. در این طبقه‌بندی‌دانشیاتی بشری است که مقام فلسفه به‌منابۀ علم روشن میشود و در عین حال نادرستی پیشینی که فلسفه را «علم‌العلوم» مینامد، بخوبی آشکار میگردد. فلسفه که یکی از شکل‌های شعور اجتماعی است، علم به عام‌ترین قانونمندیهای کلی است که هم هستی (طبیعت و جامعه) و هم تفکر انسانی و روند شناخت تابع آن قانونمندیهاست. انگلس طبقه‌بندی‌دانشیاتی را به دانش فلسفه زادکه‌بدان وسیله بتواند در اقیانوس عقاید و آراء، جریانها، مکاتب‌ها و سیستمهای بیشمار راه درست‌را بیابد و سرزدگم‌نماید. وی مسئله مناسبات بین روح و ماده، شعور و طبیعت است روشن کرد و جنبه طبقاتی‌تفکر فلسفی را آشکار ساخت.

آنچه انگلس در تکمیل و توضیح شعوری شناخت (گنوستولوژی یا علم‌المعرفه) و به‌ویژه در مبارزه علیه لادریسون (آگوستین‌ها که منکر شناختند) انجام داده است، اهمیت بنیادی دارد. در این ارتباط، طرح وحل یک ردیف از مسائل عمده منطق دیالکتیک توسط انگلس دارای اهمیت خاص است. در توضیح و گسترش مسائل عمده ماتریالیسم تاریخی، بویژه مبارزه انگلس علیه «اقتصادگرایی عامیانه» (داکونومیسم رولکر) که در مین جا می‌زنند و سپس در رد و انتقادی قلم‌فرسائی و سخنرانی میکنند) حائز اهمیت است.

انگلس نشان داد که نقش تعیین‌کننده شرایط مادی زندگی مردم، به‌یچوجه نقش‌فصل‌مغیوبات را کاهش نمیدهد و همچنین نقش موثر شخصیت‌ها را در تاریخ رد نمیکند. بلکه برعکس، بر زمینه درک‌علمی و درست‌نقش

برای نشر این دو جلد، انگلس شخصاً به پژوهشهای علمی فراوانی دست می‌زد. در همین دوران، که مارکس توجه اساسی خود را به تألیف کتاب «سرمایه» (کاپیتال) معطوف کرده بود، انگلس به بررسیهای فلسفی همت می‌گمازد و به گسترش و تکامل آموزش ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی می‌پردازد. کار عظیمی که او در تکمیل و تدوین فلسفه مارکسیسم کرده است، در آثاری نظیر «لودویگ فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان»، «آنتی-دورینگ»، «منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت» و غیره منعکس است. که تاکنون نیز از آثار کلاسیک جهان‌بینی مارکسیسم‌اند. خدمتی که انگلس در کاربرداندیشه‌های ماتریالیسم دیالکتیک در طبیعت‌شناسی انجام داده، اهمیت خاصی در گسترش متدولوژی (شیوه‌شناسی) این جهان‌بینی داشته و دارد. اندیشه‌هایی که از در آثاری چون «لودویگ فویرباخ...»، «آنتی-دورینگ» و بویژه «دیالکتیک طبیعت» بیان داشته است، چنان عمق و وسعتی داشته، که اهمیت آنها را باید، بی‌موازات تکامل‌دانشیاتی بشری آشکارتر شده است.

خیلی از اکتشافات علمی قرن ۲۰ در واقع توسط انگلس پیش‌بینی شده بود. از آنجمله‌اند نظریه مربوط به پیوند ناگسستگی ماده و حرکت و پیش‌بینی مربوط به وحدت زمان و مکان، درباره پایان‌ناپذیری شکل‌های ماده و ساختمان مرکب اتم، انتقاد از شعوری «فناهی گر» جهان، درباره زندگی چون شکل حرکت‌ماده، که در مرحله معینی، از گسترش طبیعت غیرآلی بوجود آمده‌است و غیره.

اطلاعات وسیع و شناخت‌همه‌جانبه به انگلس امکان داد تا سیستم منظمی از طبقه‌بندی علوم بر مبنای واحدی تهیه کند، که در

برای تأسیس «اتحاد کمونیست‌ها» پرداختند، که بعدها به حزب انقلابی طبقه کارگر تبدیل گردید. انگلس در سال ۱۸۴۷ طرح برنامه این «اتحاد» را به نام «اصول کمونیسم» مینویسد که بر مبنای آن، یکسال بعد، «مانیفست حزب کمونیست» - اثر مشترک مارکس و انگلس تدوین میشود و ایجاد آموزش کامل مارکسیستی - ایدئولوژی علمی طبقه کارگر، اعلام میگردد. فعالیت روزنامه‌نگاری انگلس نقش بزرگی در ترویج و تبلیغ جهان‌بینی و ایدئولوژی طبقه کارگر و همبستگی نیروهای دموکراتیک ایفا میکند. در حوادث انقلابی سالهای ۱۸۴۹-۱۸۴۸ انگلس شخصاً شرکت میکند و فعالانه در صفوف نیروهای انقلابی می‌رزد. پس از شکست انقلاب او به‌عنوان آخرین گردانهای رزمنده مین خود را ترک میکند. در سالهای بعد که در مهاجرت زندگی میکرد، انگلس به تمیز نظری تجربیات انقلاب آلمان می‌پردازد و آثار گرانبهایی چون «جنگ دهقانی در آلمان» و «انقلاب و ضدانقلاب در آلمان» برشته تحریر درمی‌آورد. در این آثار است که انگلس نقش بس مهم دهقانان پشایه - متفق طبقه کارگر را روشن می‌کند و از روی خیاقت طبقه بورژوازی پرده برمی‌دارد.

پس از مسافرت به انگلستان، که مارکس هم بدانجا آمده بود، انگلس با شرکت فعال در جنبش کارگری، یکی از کوشندگان مؤسس بین‌الملل اول می‌شود و مبارزه نظری و عملی علیه افکار آنتروپستی (هرج‌ومرج‌طلبانه) و ایدئولوژیستی (فرست‌طلبانه) را پیش می‌برد. از این زمان انگلس در عرض مدت چهل سال پیوسته به مارکس در تألیف اثر جاودانش «سرمایه» کمک میکند و جلدهای دوم و سوم آنرا پس از وفات مولف، خود به‌چاپ میرساند.

درباره امتناع داوطلبانه سرمایه‌داران از حاکمیت) آشنائی پیدا میکند و به‌فارساتپهای ایدئولوژی و سیاست این جنبش می‌پردازد. نتیجه بررسیهای او در «یادداشت‌هایی در نقد اقتصاد سیاسی» (۱۸۴۴) و «وضع طبقه کارگر در انگلستان» (چاپ ۱۸۴۵) منعکس شده است.

مارکس، که خود با جنبش چارتمت‌ها در ارتباط بود، پس از اطلاع از اثر انگلس، آنرا یادداشت‌های دایمانه در انتقاد از مقالات علم اقتصاد سیاسی نامید. در این آثار، انگلس رسالت بزرگ و تاریخی طبقه کارگر را به نحوی علمی مستدل ساخت، آینه روشن طبقات زحمتکش را متذکر شد و برای نخستین‌بار نشان داد که طبقه کارگر چه‌چیز و ولتاریا تنها یک طبقه مستکن نیست، بلکه طبقه‌ایست که در راه آزادی خود مبارزه میکند.

انگلس در انگلستان سوسیالیست میشود. بزودی او انگلستان را ترک میکند و به پاریس می‌رود (۱۸۴۴) و در اینجا با کارل مارکس ملاقات میکند. این دیدار، سرآغاز دوستی عمیق و صمیمی این دو متفکر بزرگ میشود که عمر خود را به مبارزه عملی و نظری در راه آزادی طبقه کارگر از ستم سرمایه‌داری معروض داشتند. آنها با هم در سالهای ۱۸۴۶-۱۸۴۴ آثار مشهور خود «خانواده معنوی» و «ایدئولوژی آلمانی» را برشته تحریر درآوردند، که در واقع تجدید تفکری در نظرات فلسفی هگل و فویرباخ بود، که در آن زمان رواج بسیار داشت. که مارکس و انگلس مبنای فلسفی جهان‌بینی علمی طبقه کارگر، یعنی ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی، را تنظیم کردند.

به موازات فعالیت گسترده نظری، مارکس و انگلس به کار عملی

بشریت مترقی ۲۸ نوامبر (۷ آذر) صدوشصتمین سالروز تولد فردریک انگلس، اندیشمند و انقلابی بزرگ، همفکر و هم‌رزم کارل مارکس را، که به‌عنوان آموزش سوسیالیسم علمی راه‌ وجود آورنده، با قدرانی بسیار یاد کرد.

فردریک انگلس در پاریس (آلمان) چشم دنیا گشود. وی از دوران جوانی تلاش فراوانی به شرکت در راه تغییر نظام اجتماعی موجود داشت. از پانزده سالگی، که خدمت ارتش را در برلن و در عین حال زمان فراغت را به شنیدن سخنرانی‌ها در دانشگاه میگذراند، به‌جنگ چپ طرفداران جوان هگل، بیوست. همین زمان بود که او به انتقاد مستدل و درخشان از افکار ارتجاعی شلینگ پرداخت. اثر او بنام «شلینگ و اهرام» در سال ۱۸۴۲، مربوط به این دوره از زندگی اوست. انگلس در عین حال به انتقاد تضادهای دیالکتیک ایدئوآلیستی هگل و نتایج محافظه‌کارانه‌ای که او میگرفت پرداخت. اما تحول جدی در نظرات انگلس زمانی صورت گرفت که به اسرار پدر برای بررسی امور یازدگانی به انگلستان رفت. از این زمان است که او با زندگی و وضع طبقه کارگر پیشرفته‌ترین کشور سرمایه‌داری آنوقت مستقیماً تماس پیدا میکند و وضع طاقت‌فرسای زندگی پرولتاریای انگلستان توجه عمیق او را جلب میکند.

انگلس در انگلستان با جنبش کارگری چارتمت و نظرات سوسیالیسم تخیلی آن (بویژه

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر میرزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۲۸ (دفتر نامه مردم) منزل در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM No. 382 30 November 1980 Price: West-Germany 0.80 DM France 2 Fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A. 40 Cts Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران



اندیشمند برجسته اسلامی هند: شوروی همیشه دوست خلقهای مسلمان بوده است

علیرغم توطئه‌ها، انقلاب افغانستان روز به روز قدرت بیشتری می‌گیرد

یرفور کلیم بهادر، اندیشمند برجسته اسلامی هند و استاد دانشگاه جوهر لمل نهره، که در سمپوزیوم مسائل صلح و امنیت در آسیا در تقیلس شرکت کرده بود، در یک مصاحبه مطبوعاتی از جمله گفت:

«نتیجه‌های ارتجاع جهانی و امپریالیسم برای خفه کردن انقلاب افغانستان با شکست روبرو شده و افغانستان بکمک دوستان واقعی خود، دست‌اندرکار ساختمان زندگی نوین است.»

یرفور کلیم بهادر، ضمن اشاره به توطئه و سر و صدای امپریالیسم آمریکا، رژیم دست‌نشانده پاکستان و برتری‌طلبان پکن، گفت:

«برنامه‌های دولت انقلاب افغانستان از جمله برنامه‌های اقتصادی، آزادی زنان و دیگر دگرگونیهای اقتصادی-اجتماعی با مخالفت رژیم نظامی پاکستان روبرو شده است، زیرا این رژیم از آن بیم دارد که

مردم پاکستان نیز برای کسب حقوق خود مبارزه قاطعی را آغاز کنند. واشنگتن نیز از آن بیم دارد که مردم خلیج فارس از انقلاب‌های رهایی‌بخش منطقه، و از جمله از انقلاب افغانستان برای آزاد شدن الهام بگیرند.»

اندیشمند برجسته هند افزود: «واشنگتن منطقه خلیج فارس را منطقه متافع حیاتی خود اعلام کرده است و به‌عنوان دلیل است که آمریکا و برتری‌طلبان پکن به جنگ اعلام‌نشانده علیه افغانستان دست زده‌اند و از خاک پاکستان به عنوان پایگاه استفاده می‌کنند. اما علیرغم این توطئه‌ها، انقلاب افغانستان روز به روز قدرت بیشتری بخود می‌گیرد و تلاشهای رژیم پاکستان در مورد سرهم‌بندی کردن جبهه ضدافغانی مسلمان‌ها با شکست فزاینده روبرو شده و پاکستان در میان خلقهای مسلمان عملاً منزوی شده است.»

دانشمند هندی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «تلیفات پر سر و صدای ضدشوروی یرامون رویدادهای افغانستان نیز جزئی از این توطئه است. در صورتیکه شوروی همیشه دوست خلقهای مسلمان بوده و به اعراب در مبارزه علیه تجاوز اسرائیل و آمریکا کمکهای شایان کرده است. این آمریکا بود که یرامون ستور را علیه اعراب بوجود آورد»

کلیم بهادر یادآور شد: «دولت‌های شوروی و افغانستان اعلام کرده‌اند که، به‌مضی آنکه تجاوز خارجی علیه افغانستان قطع شود، نیروهای محدود شوروی از افغانستان خارج خواهند شد.»

قاضی پاکستانی به افغانستان گریخت:

قاضی پاکستانی از جنایات رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق پرده برداشت

«در پلو ورود به کابل شدیداً این حقوقدان نیز حمله ور شده‌است. که با مخالفت روزافزون مردم این کشور روبروست، روز به روز بر شدت سرکوب می‌افزاید. از جمله پلی حتی به کنگره

یک قاضی برجسته پاکستانی و عضو سابق دیوان عالی کشور، که به افغانستان گریخته است، از جنایات رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق پرده برداشته است. سرژان شاه، قاضی برجسته پاکستانی، در یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل گفت:

همکاری رژیم آمریکائی

پاکستان با برتری طلبان پکن افزایش می‌یابد

معاون نیروی دریائی چین، در راس یک هیئت نظامی، برای گفتگو با رهبران رژیم دست‌نشانده پاکستان وارد این کشور شد. ورود این هیئت به پاکستان نشان‌دهنده گسترش همکاریهای رژیم آمریکائی ضیاءالحق و رهبران پکن علیه افغانستان و تشدید جنگ اعلام شده علیه این کشور است.

از سوی دیگر، دیدار این هیئت چینی از پاکستان تمهید تواند با فعالیت‌های خرابکارانه رژیم سرسپرده ضیاءالحق و برتری‌طلبان چین علیه هندوستان بر ارتباط باشد.

در حالیکه تاکنون حتی صدای یک گلوله نیز در شهرتشنیده‌ام. قاضی برجسته پاکستانی گفت: «فعالیت‌های علنی در کابل نشان می‌دهد که اراخیف رسانه‌های گروهی پاکستان تا چه حد بر پایه است.»